

يا ايها الناس عبدوا ربكم الذي خلقكم والذين من قبلكم
لعلكم تتقون

القرآن

(69)

الحمد لله المصنف كتاب کار آمد ہر موحیدی

Kashmiri Poetry
Hul Bashir Abdul Sami
Shopiani

Alrab-ul-jinni

Si Raddi
Hafsal-ul-Hajini

Chishti Press Srinagar

1365 H

72 pages

ASL-69

الموسوم به

الطبيب

فی ساد

هفوات

یعنی

نظم جو ابی بجواب رد و ثانی

لصنیف

ابو البشیر عبد الغنی خلیف مولوی واعظ و محدث شوبانی

{ حسب تجویز مرکزی شعبہ تبلیغ جمعیت اہل حدیث کشمیر
مطابق قرارداد اولی جلسہ منعقدہ ۲۲ رجب ۱۳۶۵ھ }

مصنف کتاب ابوالبشیر نایب صدر جمعیت کلکتہ بریس نیگر میں چھپوا کر صدر دفتر جمعیت کاؤکل
سے شائع کیا۔

[illegible]

بناهدی دین هو الذی ارسل رسول
 الاخر من الانبیاء
 من انبیا من قبلی
 من انبیا من قبلی
 من انبیا من قبلی

بسم الله الرحمن الرحیم
 فی حدیث مصطفی
 فی حدیث مصطفی
 فی حدیث مصطفی
 فی حدیث مصطفی

والله ما جددت له وچهتمواوس
 چو کرک پانه پانسی تر وید
 پانه لورن اتخو چو خانه پین
 کیا ضرورت چو نو کهنوتس و
 پنه نه جایه تم گره شهن مرقوم
 اوسنه کنه ولس اندر مه خیال
 دومه اکه دوستن اندر چپوس بو
 چه سمن تم به گو صدامه کنن
 ووت یا هست بو کوس حشر تمام
 تمام ماوک و لوک پیوی جهادین
 پیته بچن شر که نش عوام ان س
 بس چو الله سوی چو سون وکیل
 نشه چیا کانه ستر غلامن ستر

مدقاه گوینه مه وچهتمواوس
 گفت آن نامه را چو انور وید
 رو کرک ناجنی چو پانه پین
 چو و تو متوندی متس بس رو
 تمام کر بیت کنه متو منظوم
 ونی کر نوتت کتابه استیصا
 یک در شهر خاص اوس بو
 اهل توحیدیم چه اهل سمن
 مه ته مت جایه واتنگ پیغام
 ناجنی سوند سونا مه پر کین
 جل لکهور و نامه خن سس
 چار و ناچار پیو کرک ن تعمیل
 سوی مه تهاون پر کلا مس منز

خالق اکبر سس نشه مقبول
 حکم منه کوی بجان و دل امون
 هم حدیث صحیح پیغمبر
 سانه بابت زبر چو حکم نام
 راه جنت چو راه سهل حدیث

دین اسلام یوسو چو دین رسول
 سون سوی دین حق سوی ون
 اصلت و حی خالق اکبر
 اس مسلمان دین را و اسلام
 اهل توحید اس چو اهل حدیث

لقد کان لکم فی رسول الله
 و هو خاتم النبیین
 و هو خاتم النبیین
 و هو خاتم النبیین
 و هو خاتم النبیین

الکلمة الحکمة ضالفة الحق
 حکیم فحیث رجبها فنهو الحق
 لیس منی ابن امة من مکتوبة
 رعا الحق و لیس منا من قاتل
 ابی البر الصلح ما من مکتوبة فصل ثانی
 عن صفی اخیه الاکان حقا علی
 الله ان یبر و عنده فاما جهنم
 یوم القیامة ثم تلا هذه الآیة
 وکان حقا علینا نصر المؤمنین
 رواه فی شرح السنة مکتوبة
 باب الشفقة والساحة فصل ثانی

کردا مامو به خدمت اسلام
 تبت بدل سوزنک خدای پر
 حنفی شافعی چهو نه اسه ناو
 نه و مستحق نه شامی و رومی
 نه چه نجدی نه اس چه فریابی
 سون دعوی بیوی چوپو پوهر جا
 پز و تین آسه را و متوزن لال
 حنفی پز و دن به پز و مالو
 پز و چه مانت توان اس اکت
 نجدیو کر و حمایت توحید
 چهو مئی خیطره تهنو ندر تو وطن
 سکا ته مخالف کتحن کرت میری
 تل نکبت پور گفت گوی تهنو
 کر حقن نیه مو چور تو بهوی اگاه
 رچه یوسو عزت برادر راه
 و چپته و فی ناچک چوپکیا و منو
 تل شه میسنه ان عدل ای
 آسه و منتویه تم ز حد نیرت

تبت چه مانان اس چهو نو سوهام
 رحمت بیشمار و فضل کثیر
 مالکی اسنه حنبلی کن تهاو
 قادری کبروی ته محدوی
 نه چه کوفی نه اس چه دمانی
 اس طلبکار چپی پزس هر جا
 اس چه زانان گو سوانوی مال
 پز و به نجدی و دن پزوی زانو
 چهو نه عینک نقصیک لاگت
 شنش پور کر و تموتاید
 حب مذہب چهو نه حب وطن
 پز تهنرثر ماره آبر و دینوی
 اس بچا و و سوا بروی تهنو
 تی چهو فنان سید ابرار
 رچه تش ناره نش خدای یگانه
 کیا راس اندر چهو تم امنو
 تول تمند کلامه تم ساری
 همچو کالا بدته دس فیرت

بجه متهی پارت در حدیث خبر
 نجدین مهنر شه کشته بخاری پر

وکل ما ارتفع من تعامرة الى ارض العراق وهو الغور سميت به الارض الواقعة بين الحفامة
 من بلاد العرب وهو خلاف الغور وهو جرد واما زین العرق فهو جرد
 مراح جرد ۲۲۱ م لغت خطابی لغت که جرد
 مدینه بادیه وخران او حافظان جرد در شرح جرد لغت
 که درین حدیث از جرد عراق مراد است تاریخ اسلام ۲۲۱ م
 در ملک عرب و دو علامه را بخنداند یکا بخندیدند دوم
 بخند عراقی تاریخ اسلام ۲۲۱ م و فی بعض طرقه بخند
 الى العراق تاریخ اسلام ۲۲۱ م و فی بعض طرقه بخند
 المنذری فی الترغیب والترهیب عن ابن
 عباس رضی الله عنهما قال دعا بنی البکر صلی
 علیه و سلم فقال اللهم بارک لنا فی
 صاعنا وصدنا وبارک لنا فی شئنا مناه
 یعنینا فقال رجل من القوم یا بنی
 الله وعدنا اننا قال بها قدن
 الشیطان و تهیج الفتن و ان
 الجفا یا بشری رواه الطبرانی فی
 الکبیر و رواه ثقات ترغیب برجاء
 مشکوة ص ۱۰۰ بحه قتل یوم
 اجمعته یوم عاشوراء سنة
 احداث و ستین بکربلا من ارض
 العراق فیما بین الکوفة و الحلة
 اکمال عرف الحاء

جواب

سوحد بیت شریف و چهل و پیر
 نجد تم تم زمین ساری آس
 تم چیه ز می نخند شهره آفاق
 یک بیت جابه نجد یو سو چومرا
 سار حان حدیث و اهل لغت
 و چخنه فی بخند فائزه لفظک رنگ
 سندن بعضین اندر نوزت
 منز عراقس چوپ کوفه ته بابل
 پیشه تر عیب ترا و نادانی
 چو و ن حضرت بن عباس
 مشکو متو ای خدایه برکت کر
 عرض کرو و قوم اندر اک شخص
 حضر تو تس جواب فیرت و نو
 بیه تته شور فتنه سپنه یا
 ظاهری فتنه گو فساد و غنا
 ظاهری زلزله زمین الن
 گو تر زلزله اول عراقس منز
 حضرتن یوم سو تو فتنه لخت جگر
 اهل بیتن مهندس حقس منزیم
 تته ثابت گز ثانی چوک شور
 چیه بلند میمن اندر تهنه و آس
 اک چو نجد یامه بیاک عراق
 سو عراقس چوپ نجدی کر باد
 سارنی بس بی کوفی چپک کت
 و لو متو سانه نجد به بایت منگ
 چو اشاره الی العراق کرت
 تته علاقش چوپ کر بلا شام
 سوانن از کبیر طبرانی
 کرو دعا حضرت یو بی چوپ نه قس
 لو نگه سانه سی مدس اندر
 بیه سانه عراقه بایت و ن
 قرن شیطان چو تته زمین کن
 مشرقس کنو چو زو زطم و جفا
 باطنی فتنه زندقه الحاد
 باطنی گو زرا و راست و لن
 ز اے بد فتنه تته علاقش منز
 ماره گو تته علاقسه سی اندر
 کبیر بجسر متی سپر آن دم

فصل ۱۰۹
 فصل ۱۰۸
 فصل ۱۰۷
 فصل ۱۰۶
 فصل ۱۰۵
 فصل ۱۰۴
 فصل ۱۰۳
 فصل ۱۰۲
 فصل ۱۰۱
 فصل ۱۰۰
 فصل ۹۹
 فصل ۹۸
 فصل ۹۷
 فصل ۹۶
 فصل ۹۵
 فصل ۹۴
 فصل ۹۳
 فصل ۹۲
 فصل ۹۱
 فصل ۹۰
 فصل ۸۹
 فصل ۸۸
 فصل ۸۷
 فصل ۸۶
 فصل ۸۵
 فصل ۸۴
 فصل ۸۳
 فصل ۸۲
 فصل ۸۱
 فصل ۸۰
 فصل ۷۹
 فصل ۷۸
 فصل ۷۷
 فصل ۷۶
 فصل ۷۵
 فصل ۷۴
 فصل ۷۳
 فصل ۷۲
 فصل ۷۱
 فصل ۷۰
 فصل ۶۹
 فصل ۶۸
 فصل ۶۷
 فصل ۶۶
 فصل ۶۵
 فصل ۶۴
 فصل ۶۳
 فصل ۶۲
 فصل ۶۱
 فصل ۶۰
 فصل ۵۹
 فصل ۵۸
 فصل ۵۷
 فصل ۵۶
 فصل ۵۵
 فصل ۵۴
 فصل ۵۳
 فصل ۵۲
 فصل ۵۱
 فصل ۵۰
 فصل ۴۹
 فصل ۴۸
 فصل ۴۷
 فصل ۴۶
 فصل ۴۵
 فصل ۴۴
 فصل ۴۳
 فصل ۴۲
 فصل ۴۱
 فصل ۴۰
 فصل ۳۹
 فصل ۳۸
 فصل ۳۷
 فصل ۳۶
 فصل ۳۵
 فصل ۳۴
 فصل ۳۳
 فصل ۳۲
 فصل ۳۱
 فصل ۳۰
 فصل ۲۹
 فصل ۲۸
 فصل ۲۷
 فصل ۲۶
 فصل ۲۵
 فصل ۲۴
 فصل ۲۳
 فصل ۲۲
 فصل ۲۱
 فصل ۲۰
 فصل ۱۹
 فصل ۱۸
 فصل ۱۷
 فصل ۱۶
 فصل ۱۵
 فصل ۱۴
 فصل ۱۳
 فصل ۱۲
 فصل ۱۱
 فصل ۱۰
 فصل ۹
 فصل ۸
 فصل ۷
 فصل ۶
 فصل ۵
 فصل ۴
 فصل ۳
 فصل ۲
 فصل ۱

روشنیہ ہوند سیت سامان شمس
 بوز مطلب ژہ قرن شیطانی
 مشرق کتو عراقی روزن دور
 مطلع آفتاب مشرق زان
 سرچو شیطان سبت ت لاگان
 لاگہ شیطان ت خریداری
 مومن پچھ توے بوقت طلوع
 ورنہ شیطان جدا چو بوزیکت
 تم روایت کران از سالم
 منبر سس پچھ سپنو سوار نبی
 یتہ کن فتنہ نیرہ تنو پیہم
 بیہ لفظن اندر و توک ماوت
 یاگزہ ہن قرن شمس بنو نیہ کن
 گوڈہ نیرن سو آفتاب پتو
 پر اشار النبی الے المشرق
 توک مفسد تہ ظالم و جانی
 تہ کی فتنہ دور و واق دور
 و چھتہ ناتارین ہوندوی بدنیہ
 کروکھ برہم خلافت اسلام
 کر متوبے گنہ بتیغ ہلاک

ول منور بنور ایمان پس
 ایجا الف مہ کر ہجر پانس
 یتہ واقع مدینہ جہوتی تہ پور
 قرن شیطان ز آفتاب ننان
 کھٹہ و نو لوسہ و نو توک زاکان
 پیہہ کر سس سجدہ مشرک ناری
 گو نمازن ہوندوی پر نو ممنوع
 عارضی نسبتہ سونا و چھوتت
 پر بخاری تہ تری مذی مسلم
 چو زاین عمر انان سوئی
 پس یہ فرما و حضر تو اس دم
 مشرق کتو اشارہ فرماوت
 قرن شیطان گزہ ہن چو بنو نیہ کن
 قرن ہنگ حابس و پان ابرو
 ما و مشرقی تو مسہ کر و ق
 ہم چو مطلب ز قرن شیطانی
 جانی فتنہ چو مشرقی مشہور
 فتنہ یم و فتنہ اول تنی کن رای
 اس بیشک متن ہندی دل خام
 کم مسلمان ساسہ بد بے باک

فصل ۱۰۹
 فصل ۱۰۸
 فصل ۱۰۷
 فصل ۱۰۶
 فصل ۱۰۵
 فصل ۱۰۴
 فصل ۱۰۳
 فصل ۱۰۲
 فصل ۱۰۱
 فصل ۱۰۰
 فصل ۹۹
 فصل ۹۸
 فصل ۹۷
 فصل ۹۶
 فصل ۹۵
 فصل ۹۴
 فصل ۹۳
 فصل ۹۲
 فصل ۹۱
 فصل ۹۰
 فصل ۸۹
 فصل ۸۸
 فصل ۸۷
 فصل ۸۶
 فصل ۸۵
 فصل ۸۴
 فصل ۸۳
 فصل ۸۲
 فصل ۸۱
 فصل ۸۰
 فصل ۷۹
 فصل ۷۸
 فصل ۷۷
 فصل ۷۶
 فصل ۷۵
 فصل ۷۴
 فصل ۷۳
 فصل ۷۲
 فصل ۷۱
 فصل ۷۰
 فصل ۶۹
 فصل ۶۸
 فصل ۶۷
 فصل ۶۶
 فصل ۶۵
 فصل ۶۴
 فصل ۶۳
 فصل ۶۲
 فصل ۶۱
 فصل ۶۰
 فصل ۵۹
 فصل ۵۸
 فصل ۵۷
 فصل ۵۶
 فصل ۵۵
 فصل ۵۴
 فصل ۵۳
 فصل ۵۲
 فصل ۵۱
 فصل ۵۰
 فصل ۴۹
 فصل ۴۸
 فصل ۴۷
 فصل ۴۶
 فصل ۴۵
 فصل ۴۴
 فصل ۴۳
 فصل ۴۲
 فصل ۴۱
 فصل ۴۰
 فصل ۳۹
 فصل ۳۸
 فصل ۳۷
 فصل ۳۶
 فصل ۳۵
 فصل ۳۴
 فصل ۳۳
 فصل ۳۲
 فصل ۳۱
 فصل ۳۰
 فصل ۲۹
 فصل ۲۸
 فصل ۲۷
 فصل ۲۶
 فصل ۲۵
 فصل ۲۴
 فصل ۲۳
 فصل ۲۲
 فصل ۲۱
 فصل ۲۰
 فصل ۱۹
 فصل ۱۸
 فصل ۱۷
 فصل ۱۶
 فصل ۱۵
 فصل ۱۴
 فصل ۱۳
 فصل ۱۲
 فصل ۱۱
 فصل ۱۰
 فصل ۹
 فصل ۸
 فصل ۷
 فصل ۶
 فصل ۵
 فصل ۴
 فصل ۳
 فصل ۲
 فصل ۱

غلط القلوب و
المشترک الحدیث مسلم
باب بر البر فی فصل اول
مسئله علی بن الحنفیة باب یزید

المشترک الحدیث
باب یزید
باب یزید
باب یزید
باب یزید

باب یزید
باب یزید
باب یزید
باب یزید
باب یزید

بیز دار الریاست بغداد
مشرقی یوکنی چیه سخت دلی
مشرقی رأس کفر زانو بس
سوی مکان خروج یا جوین
بیهیم فتنه یقیا شرم
کشرت فتنه گوشتی کن نمو
تت بدل چانوبی سند گفتا

شهر اسلام کرو تمو بر باد
تم چیه ظلم و ستم کران ملی
سوی مقام خروج و جالس
سوی چو جاب خروج با جوین
ین تنی کن چیه و حدیث پیام
نیک یو سو آسه ورا و پانی بنو
اکون ساروی چو ساروت انت انکا

قوله

عبد و ناب نام آن بدکا | باطنی عبد و هم و دینار

جواب

مفت آست کهسان یرده نمحه
بیز باقی کرت به چوی زه و آل
نام نجدک کنو زه بوزت یام
زهن کین هوند گبر زه و فی تروت
تته باشند از قدیم چیه یم
روز محشرونک زه حیده کس
حضرتن مند چیه هم قبیلہ تم
چو بخاری و سکس منبر پر
داره بوزم کنو تره چیزینه
حضرتو و بوز امتهم هر حال

کا نمحه کر تهن حلال پانس بچه
بوز عبد الوهاب نوبی زو حال
بتعصب کر نو متوقه زه کلام
نو چو نجد بامسه فی ماوت
تم ربیعہ بنی تمیم چیه تم
بوز نجدی چیه هم قبیلہ کس
خاندانی چیه با فضیلہ تم
بو هریره ون پی چو خبر
ما که تقاوم بنی تمیم تنه
سخت تر تم چیه بر سر و حال

سمعت من رسول الله يقول هم اشد اعدائي على الدنيا
نبيهم سمعتهم يقول هم اشد اعدائي على الدنيا
قال وحيات صلواتنا عليهم فقال رسول الله
صلوات الله عليهم وسلم هذا في صلوات فقال
وكانت سبب من ولدا استعمل منفق عليهم
اعلانيها فانها من ولدا استعمل منفق عليهم
مسئله باب مناقب زین
فصل اول

شیخ الاسلام

۱۰

بیه اندر مدینه واتی یام
 حضرت تو که بیان یحی کلمات
 بیه متوی منزله کینه آه آس
 یله تراونی متودوپس چیه ایل
 ای مخالف متی قبیله ننو
 سومحدث فقیه نیک نهاده
 حبلی مذهبک علم برده
 لیک تقلید هسی رشت زیاده
 یل عبس اندر سواقصی اوس
 ابن عبد الوهاب گو سو امام
 عمره ده ساله اوس نه ونه پور
 پته مالس نشه لصدق و بسوز
 نس گنوا اوس شوق بی پیدا
 اک کتاب حدیث زیاده پد نو
 یام اسلامکی اصول و چین
 یام تحقیقه چی نظر تراون
 چیه تو انداؤ عقائد و اعمال
 چیه تو مند اؤ عقیده ته اؤکار
 خاص لوگو تسوید و ننو تو مون
 نمته پنه و نهو کرت اراوه راه

صدقات بنی تمیم تمام
 وات یم سانه قومه کی صدقا
 عاشش نش سه بامیزاه آس
 یه چیه بیشک ز وکد اسماعیل
 عبد و ناب ورا وگر شه دهره و نو
 بابیه متوند ته فاضل و استاد
 علم آسوس وراشتی رتو کار
 بیه رمن هوندوی سو ولداوه
 حق تعالی رتوی پنخودت گوس
 شیخ اسلام یس محمد نام
 حفظ قرآن کر نو بفضل غفور
 پره دینی کتابه تم تی بونه
 گو وده پچه بس سوتت اندر شدا
 بیه تفسیر آیه یاد کر نو
 سرسبر واجب قبول و چین
 اهل نجدن اندر یه کت باون
 دور از قول ایزد متعال
 پای تا سر مخالف اخبار
 لیک عامی چیه یم متو بچه زون
 ورا و بهر طواف بیت الله

فیور از مکہ نہ کڈنو احرام
 اوس نہ وقتہ ور مدینہ مقیم
 بخاء کوی آسو متوسو یک شخار
 شرک و بدعت و چہت پینو سول
 یلہ نجدک و چین یہ طالب علم
 سلف صالحن ہندی تصنیف
 چہوس دین پر تہ پر فلاح چہوی
 نہ پتہ نیون پیش آن علام
 دتس تام تت قیام کرنو
 رنو کرنو علم دینہ کوی تحصیل
 پس بسوئی وطن روانہ سپنو
 تم لکن منہ اثر بقول تبلیغ
 اوس ماس تہ گاہ کہ سو فنان
 نجدین منہ چہ مشرکاتہ رسوم
 منع کرتک خدا گزہی را ضی
 اوس تس نش تیجی کلامہ فزان
 سنہ کہشت بیہ تر و نزاہوت
 متو کرنو تم علانیہ تلقین
 یعنی دین محمد عربی
 عام دعوت و تک کرنو یلہ سنہ

بعد حج آو در مدینہ سو یام
 شیخ عبداللہ بن ابراہیم
 نوک و شیخن کران شرک کار
 آو تہ بیو کڈ ورجوار رسول
 نکھ پانس انو بجود و بحلم
 اک ذخیرہ سو قابل تفریف
 نجدین زینہ نوک سلاح یہ چہوی
 یس محمد حیات ہندی تام
 علم تس نش بذوق و شوق پر نو
 خاص علم حدیثہ کوی تکمیل
 دار و نجد یام پانہ سپنو
 متو بہ آہستہ کی کرنو تبلیغ
 کونہ حضی چہوک نظرہ تل لہ نان
 تہ ہو پہ لاگت چہ سارا مل علیم
 ما و از فیض علم فیاضی
 بحث لاگان مناظرہ سو کران
 عبد و تاب بابہ تس گو فوت
 شرک ترا و یو لگو ر نو پرودین
 توہ کر یو پیدہ خوی حق طلبی
 اوس مضمون یہ مختصرت منہ

۱۱ چه صفات خداییم مخصوص
 چو نه تش کانه نشاند بهما
 ۱۲ بیه نص کتاب ربانی
 نسبت ذات و هم صفات خدا
 لغوی معنی اندر نه رشتو
 ۱۳ بیه بیه بیه چه انبیا ساری
 تم چه مخلوق نه بشر ساری
 ۱۴ بیه بیه بیه چه اولیا کرام
 چو نه جائز مگر تهوی تعظیم
 یعنی بیزارت خدایت منزه
 ۱۵ بیه قبرن نه مرگ ارن کنو
 تراوه زائر قدم سفیهانه
 ۱۶ بیه بیه چه قدرتش منزه
 تم بیه نش منگن چه نه هرگز
 ۱۷ بیه گو بدو گنه نه بدو تقصیر
 گو و ده بیه لان استاچ کنی
 ۱۸ بیه هر رنگه بدعتن شرکن
 سبت قرآن سنگ هر بار
 ۱۹ بیه بیه و عطا تم چو انمردن
 تش کیر آس عالمان فحول

تمندی ذات خاطره مخصوص
 سو بذات و صفات چو یکتا
 نص لفظ رسول رحمانی
 آو سنی تی رشتو چه سون بدا
 کیف و تا و یله کس چیه نه فستو
 تم چه مقبول حضرت باری
 از صفات خدا نبر ساری
 دوستان خدای تم چه تمام
 یا عقیده تهوند فحولیت بیه
 یا نبی اسه نارضا بیت منزه
 چو نه جائز بیه لطف لطفه گزشتو
 کره تعظیم بیت پرستانه
 تش خدایس چه بس منگن تم تش
 نه چه مردن مد و منگنو جائز
 کانه نه قبره سچله نو تعمیر
 اده نیرن قبر پرستی ننی
 مول تهاون گزشتن کدشت من
 چو اشاعت کر نو بیه گو بدو کار
 ننو کد نو تی بیه اوس تل پردن
 سر بسر نادیان مدی رسول

قدرتش

له تابعه اسم صمد

بیه تن نش هزار شاگرد
 بیه تصنیف با کرن تصنیف
 رود کنش همیشه تائید
 اصل اسلام با و تم گو کن
 اوس مرد و یوسوز روزازل
 بر خلائی تنز و نت بے جا
 لیک تم مار نہ پنی ہمت
 تم دلس منز خلوص نیت تھاؤ
 آخر الامر کامیاب سینو
 قادرین قدرتی سبب کرو بود
 اوس در شہر و رعیہ سوامیر
 شیخ سنز بوز نیکامی تم

آس روزن ہمیشہ کرو اگر د
 رکن تو حید اک کتاب شریف
 گزشتہ سبق پر کتاب توحید
 اوس مقبول یوسوئی تھو کن
 تس پسند آو پرون شرک کل
 فتنہ ہر جا کرن ہتن بہا
 جایہ جایہ سو ووت ہت پرک
 صبر تم کرو استقامت ماؤ
 بوز کتھ پا خط فتح باب سینو
 آو پانہ محمد بن سعود
 مون دعوت نمی بلاتا خیر
 زان سبب کرو اسلامی تم

فولہ

پنخواہ اک تمس سعود بنام
 ابو سوخوں دینہ و تیر سوی حرام

جواب

ما جنگ چھوک شہ مفتیہ نادان
 بے خبر چھوک زو استان عرب
 مایہ تھاوت انت سوائے ثبوت
 بے سندکت شہیں نشہ افھ لج
 تاثر یا اگر لدک دیوار
 ایس چانوی چھو مارہ گج یاوان
 بوزہ ناوک شہ کیاہ بیان عرب
 گو غلط چون سر سبر کر توت
 ہتاؤ مشرچھے مٹی کینج کنی راج
 سو ہلوی روزہ تہ چھو پو یکبار

پس امیرن کلام بوزت اورو
 اہل کار و نہ مون شیخ امام
 مصلحانہ بیہ حکیم نہ
 گے بدیں اہل ورعیہ و اصل
 شاغل علم و زہد و ورع سین
 بر زمین ژ بختن شبن بنور و
 یلہ بہ پاسو گو وراہل زمان
 یام از جہل ورعیہ گو صاف
 پرت امیرس نہ علمہ ولس کنو
 گو یہ تحریک کانہ ناخوش پور
 یاد ان صاحب سبل فی شان
 شیخ سوند خط و چیت پو و جد
 ات زمانس اندر بعضے جای
 تاثیر لاگت اپز چہم غم لاران
 تمام شیخن جہادہ کوی فتویٰ
 تمام آل سعود ست لشکر
 وات تیو تیو لکن و توک گوڈہ ناد
 شرک و بدعت ژ یور یو تو جید
 و و سوارس چو یو سو نفطت یر
 تورہ دشمن نہ ایستادہ سین

تمام باشیخ عہد و پیمان کرو
 ساروی زون رہبر اسلام
 شیخ تلقین دیں کرن پانہ
 و بنداری متن سپر حاصل
 پور قایم حد و شرع سین
 متہ نشہ رتو چہواک حد معبود
 نیمور ملکس بہار امن زمان
 ژ ہور شیخن ہدایت اطراف
 خط لکھنوی مدائیس پٹہ پٹو
 کانہ خوش گو سٹہاہ سپنو مرور
 سوامیر و محدث صنعا ن
 کر یک لائیں سلامتی بہ نجد
 فتنہ بڈ کر مخالفو بر پاسے
 بے گناہن موحدن ماران
 و تو بقصد مدافعت چہور و
 وراے جنگس بقصد دفع شر
 توہ کر یو جل کتاب و سنت یاد
 دور تر او یو سو کفر کوی تقلید
 بدو نہ مانیو نہ سد و کر یو شمشیر
 از حد پور بد ارادہ سین

لے تاریخ اسلام
 سلام علی نبی و آلہ و سلم
 وان کان تسلیحی من البید
 لا یجلب علی شے تاریخ اسلام
 صہ مشکوٰۃ کتاب الحد و فضل
 ثبات ہدایت ابن عمر
 رواہ ابن ماجہ

بعد جنگ و جدال بالآخر
لبو تمو فتح و عزت و تمکین
یام زیر تسلط آئے تھیں
رسم شرکی تہ بدعتن ہندیاں
قبرہ فی آس یم لدت اتان
از تمام امارت نجد ہی
واثریتو تھیں تھیں عمارت
تمہ پتہ وقت حاضر تھیں
تمام جنگس تھیں تہ پیو پیر نو
گاہ والنو تہ گاہ کھار نو پیک
چہہ قدیمی یہ شاہین اسلوب
عربی چھے مثال حرب سجال
یاو کر حال بدر واحد تمام
بلکہ وقت سعود ثانی او
اوس از آل شیخ شس ہمراہ
ثاو کس اندر بہ صبر و سکون
قار یا تم نہ کرو گئے نہ قصور

قولہ

والثو در نار یارست سعود

جواب

میول خلعت سعودین فاخر
اگل اکثر عرب بنو یمن
سار اطراف نجد تا بہین
جایہ جایہ تمو سراسر گال
تمہ تہ لورک تھیں کڈک زن تان
دور کو ظلم و شرک و جہل و بدی
تہ قانون شرع کو جاری
کانہ مخالف ستادہ گو یا مت
حر بہ بہر مدافعت شیر نو
گاہ زہینو تہ گاہ مار نو پیک
گاہ غالب گزہ ہن چہ کہ مغلوب
لو کہ ون اکسند الحقوک چہ مال
حال جنگن اندر تیجوی از تمام
بہر اصلاح سوی مکہ سودا و
فاضی وقت شیخ عبداللہ
نہ زہینو کانہ سر نہ مار نو خون
پر پد یہ خبر چہ تہ منز پور

نجد یواندہ زندہ کانہ کر دو

یوسو عقیره چو سبین هوند
 کانه نازی آینه وپ کره هوش
 یه و حقش نشو سو آسه نه ناری
 ای مخالف سعو و نیک نژاد
 پور تو حید و سنیگ حامی
 دینه بابت شجاع توگ دریاو
 کتخه بیو و ده چوک کرن بے سو
 زنده چچی چانه رنمه بابت تم
 از چو ایله هم مبارک و مستود
 گو سو سلطان نجد گشه آگاه
 ناو عبدالعزیز ثانی تس
 سیت از آل شیخ سوی چو شس
 یام ادا و آسمانی آو
 یله نجدی اندر حجاز نس فای
 غازیون ته مجاهدین هوند فوج
 ژاو کس سو لشکر جرار
 یله تته آسمتو شریف بچال
 ونه نه تم کمی ته خامی آس
 تر ایشه داوه گتو چو تی اشته
 فلم ته جیل شرک ته بدعت

مفت آت شرت تکران خلا
 خواتش حق مه زان گپ کره شس
 پانه ناری ژه کوک چچه خواری
 اوس ضرب المثلن بچو و بداد
 نیک سیرت ته عسالم نام
 عمر کامل البیت ز دنیا دراد
 نجد پواندره زنده کانه کیرود
 یو و گمت بر و نخته که چچه یاپیت تم
 نیک فرماں رواز آل سعو
 سوی چو شاه حجاز و نجد بجاه
 از حجاز تچ چچه پاسبانی تس
 ابن عبد لطیف ناو میس
 سنه دوی تا چهل اندرتو ژاو
 واژ ملکن اندر نیچ گکرک
 و نیدارن ته زایدن هوند فوج
 گوز مکه شریف مکه فرار
 حاجین پرژه ته اوس کیات ته حاج
 رنگه رنگه بد انتظامی آس
 پسته بد مود حاج در عفات
 آس رانش دوس لکن هنر و ت

لا تلعنوا بلعنة الله
 بغضب الله ولا بجهنم
 روايه ولا بالناس ثلثي ابو
 داود مشكوة باب حفظ اللسان فصل
 في تاريخ السلم ص ٩٥

محمد بن عبد الله القاضي القضاة في الرياض
 تاريخ السلم

الاطلاع

بصفتی گزیده الفاظ مندرجہ ذیل
شکل طبع شدہ است ناظرین کرام
بماہ نو از ش اصل دریند
الوالہ البشیر

صفہ ۱۶ = ۱۵ = ۱۴ = ۱۳ = ۱۲ = ۱۱ = ۱۰ = ۹ = ۸ = ۷ = ۶ = ۵ = ۴ = ۳ = ۲ = ۱

والتفات نظر کرت نہ ہند
کرو موقت بن بنی
یگر مینی سبز
حضرت ہونند
تہہ سو
عیب و نقصان
بدو کم دیو
لفظ

کرہ نادون لکن طواف قبور
پتہ لاران ہچو سایہ آس
یاد نیک نہ تم ہراس کران
عربک رتو سفر گمتو و شوار
تیر آسک کھسان بوزت ناو
کر خدا این موحدن یاری
زن ہو پدا سو کوہ جودی گو
عربس سار سی کرک تسخیر
سو مونیو ترہ نمٹہ بغدادس
بیہ عدل عمر سپنو زندہ
آستان یک یک بیک کرک ہمار
شکر بے سر چہو بے بنا عیت
سیت تت آوشتک تاکید
زندہ تھاوک نہ ظلم و جہاک ناو
سنگدل ژور موم ہو چہ گمت
تتہ قائم گمتو چہو امن امان
انہ چہ خالی پیت مصلے ژور
تتہ عدل عمر چہو از جاری
بخدین از چہ زندہ باد کران
یاسبان حجاز تھاوک تم

آستان ہندی محباور پور
ژور ز اگان جاپہ آس
مکہ کے حرمتک نہ پاس کران
زانسب دوس دنی برابر دیار
حکم حج یو شو شرعیتس منز آو
نام گو نتو عنایت باری
جلو ہکر شکر سعودی گو
سیت ہمت و راستہ نغمہ
چہو سو و ن مشرکس ہلس سانس
وات بلہ تو خدا یہ سند بندہ
داستان سف کرت انظار
شکر گاہک کرک فنا عیت
تتہ لوکن دیوک ریو تو حید
کفر مارگ تتہ نو کدک اسلام
ظا لمن ہند کلہ شجر چہ پیت
عربک ژور منز گفن چہ ژمان
حرمس منز کی جہاتک ژور
تتہ پر ژھہ حاجین و ن ساری
لوک انہ جاپہ جاپہ حمد پیران
یا الہی ژہ پوشہ ناوک تم

صفحہ ۱۹
لفظ
نہہ یو سو بخدا جاف
سو حدیں اندر عراق مرا
۲۰ جاپہ نامی چھہ بدی نیکی
یک پتھ ترہ ترہ چہ تاریکی
صفحہ ۱۰
لفظ
۲۰ دراد بہر طوا
۱۵ سلامتی بر بخد
۱۶ حرب سجال

انتباہ

در صفحہ نمبر ۶ بعد سطر نمبر ۱۲ اس بیت
ساقط شدہ است ناظرین آی تحریر
فرمودہ مشکور فرمائید
والوالہ البشیر
تھا و حرکت ژدہ سا نہ باہت عام
دون علاقن سواک بین بیہ شام

عنه ولا تطرد الذانبي بديعوت ساهبه
بالفنا و لا والقضى بديعوت وجهه الابه
رسوله كيف ثبت بحججه الآيه الكس بدينه
من يدع مع الله او غير الله منيئا او غائبا
انه يدع مع الله والا يعاد الله
فهو الحق بالطرد والاباد الله
عنه وفي الصحيح من احداث في اصناف
هذه اصناف ليس منه فخره و زينه

عنه وفي الصحيح من احداث في اصناف
هذه اصناف ليس منه فخره و زينه
التقدي الآيه سورة مائدة
والله في عون العبد ما كان
العبد في عون اخيه الحديث
اربعين نون

قوله

از سپون نوز ملك سندان | | بخدين هوند سو مكرت سندان

جواب

پور نجدی چه نه نجدی راج
چه بند و ستان بفضل مغیث
تم قرآنس ته سنتس چه فدا
تم چه شرکو ته بدعتونه دور
حیف چوی کت بدل شه دین کشتو
تم موحد شه مشرک مطرود
شرک و بدعت رشتو شه کاربنو
ژی گرفتار جرم والزاس

ایک قرآن و سنتک چو راج
جلوه گر جایه جایه ال حدیث
بس عمل نت کرنی متن چو مود
بلکه تقلیده نش شاه چه نفور
مکر توحید و سنتس شه و نتو
تم چه سنتی شه بدعتی مردود
چوک یر شهین گشتو تهوی جهانو
چو خدا را چه اسلاس

بحث دوم در بیان حرمت استغانت از اموات

قوله

چو گو و ک نجم در بیان جوان | | استغانت ز غیر حق بمجاز

جواب

آسه زندس نشه یه ورامکان
پانه وانی مدو کرنو باین
زنده سوند کنه مدو کرنو زند
ونو خداین تعا و نوا مکرم

سومد و تس روا منگنوتی مان
فیصله آسه یا کر نو نیاین
ته روا آو سار فی میندن
نیکیین پچه مدو کرنو یا هم

[illegible]

حضرت تو و نو مدد کرن باری
حکم زندس چو مشرک شو ما
زندسی نش یہ آسہ ممکن روز
تہ اکتو یوسو حدیث یوسو آہ
زندہ امداد زندہ سوندن مارن
توتہ زانن مدد کرن و ولوی
نہ بحث نجا زانند کنو ترا و
ونی یہ ممکن نہ آسہ ندس نش
گو نینہوئی تہ زندہ تہا و لو کاہ
رو و ترا و نو انا جہ پھل کھارو
کانسہ زندس چہ نہ ایچ قدرت
چہ نہ زندس اٹھے میوکل اک جو
بیہ مونس نشہ منگیا امداد
تہ بد و شرک گو چہ ہاوت ننو
بیہ غایب چہ یوسو اچہ نشہ دور
سوی مددگار و داد رس ثابت
سو مشرک تہس تہ پیوتا وان
شرکہ کارن اندر چہ یوسو کوشا
قول
و ابغوا و قران حقن فرما و
تم اسی چھ وسیلہ مانڈن تہا

٢٠
 ولو سمعوا ما استجابوا لكم
 ولهم عاقبة يرضون
 فاطر
 من دونه فلا يملكون كشف الضغائن
 تخويلهم الوسيلة اليهم اقرب
 التي بهم وحصله ونجاؤن عذابه
 ويرون
 الآية سورة انبا اسراييل

220

٢٢
مفيد ان سماع الميت
في جميع حال لا ... حال الاكل
هذا الجسم ثمان لا يحيط بتفصيله الا الله اعلم
البيان المبني على (صفحة هذا)
له وما ثبت له من الخيرة المعهودة في الدنيا فثبت اوده
غير الخيرة المعهودة في الدنيا التي تقدر فيها
شرح بالبيان وتلد به وتضرع وتحتاج
منها الطعام والشراب واللباس فثبت
خطاها في النقص انما البيان المبني على
وما ينبغي الا حيا ولا الاموات الا ان
والدين يدعون من دون الله لا
يخلقون اعموات غير حيا وما
لا يدعون غير الله
القرآن في عباد

چھو نہ تہ نہ نہ ہی ہتیو کی کھنچو
سہ جدا تہ یہ زندگی چہ جدا
چہ نہ ہیو نہ نہ مردہ ات کہہ وا
نظر و نش گزشتان مردہ چہ گم
حضرت مصطفیٰ توے چہ نہ نہ
منڈہ شافی لکاح پو کرووی
زندہ پو چہ تم چھتے کن پور
انبیاء چہ رتبہ ما بال
ترشہ تہ نہ نہ نہ گی قوی تہ پاک
نورہ جی لیک زندگانی چہ پاک
فرق جیس تہ میثس نظام
تیوے ون ون تہ پانہ آخر کا
چون لکھتو یست لکھت تھاو
نفع دودہ ون چہ زندہ سوندہ
نفع مردوس چہ کیا بجز حسرت
کافرن ناو کرو حقن مردہ
حضرتش دیو نہ پوز ناوک نہ
موئن سیت کافرن چہ ہشتر
کافرس نش عمل چہ درامکان
پس پتو قاعدہ نش معلوم

یہ بکثرت مکتوبتہوی و نو ہنو
 کنہ ہنشر چہ نہ تی و ن چہو خدا
 غیر احیا چہہ سیر سیر اموات
 چہو تو بے حق و نان یحیکیم
 مودیلہ مرتسنر عمل چہہ نہ ہنا
 و لثہ منہ و ارشن چہو باگردنوی
 تہ کت کتو چہو روز بعث و نشور
 برزخی زندگی متن اصلی
 دینچ زندگی چہہ مت نشہ خاک
 زندگی پاک جا و دانی چہک
 ثوتہ مانان چہوک یہ کت آخر
 ی و ن اس زہ مت کرن اقر
 چانی سی چانسی کلس چہاے
 بوزہ ہم از گنہ سوپت روزن
 چھسنہ برو نہہین نہ پت گزہ صو
 دل تہندی چہہ ان تہ افسردہ
 مو متن و عظ زندہ دل چہک نہ
 مو متن زانہہ عمل کرنی نہہ کر
 ید و ہدایت میں برہ چہو پکان
 از عمل مومتی چہہ زہ محروم

[illegible]

له الى نهيتكم عن
 زيارته القبر فزودوها
 فان فيها عين احمد غيب جاشيكة
 السلام عليكم اهل الدارين
 لا حقون لنا ان الله لنا ولهم الثانية
 من شجرة باب زيادة القبر فصل ثلث
 المسلمين ويحضر المستفاد ما بين المسلمين
 مع السلام عليكم يا اهل القبور
 بفضلكم لنا ولكم انتم سلفنا
 المتأخرين الحديث سلم باب ذكر فضل
 زيارته بالاثبات

قول

چہو ترمیم نجم رحم تو شرم سیر | قبر ہندی زیارتک تقریر

جواب

چہو طریق زیارت مستون
 مقبرہ خاص غیر تک چہو مقام
 گزشتہ زائر تو تہ چہو سیرت
 گزشتہ زائر ز خواب غفلت دور
 مشہ دنیا تہ یاد پیہ عقلی
 بس چہو مقصد زیارتس منزلی

بوز کتھ کن مناسب و بوز
 نہ سرون کر نو دعا و سلام
 منگہ پارب ژہ سور تک جنت
 ونہ یارب تہ حضرت کر پور
 پہ حدیث تری تہ الدنیا
 کیت اتھ پٹھ حدیث شایدھی

قول

فرقہ نجدیہ کرن اظہار | چہو زیارت برای استغفار

جواب

چہو حدیثن اندر بتوی ظاہر
 پائی رو کر تو ژہ نادانہ
 سو حضرت یوان یقیس کن
 بدو کر حک فائس مسلمان
 ربنا اغفرنا حقن تقسیم
 زندنی ہند دعا و استغفار
 سی اگر کرو موحد و اظہار
 میس قبرہ پٹھ پر نو قرآن

ژہ تہ چہو مانم شریہ کت آخر
 پانہ و منو پیہ چوی تہ پر پانہ
 حضرت میس منگن بنو بن
 تر نفع پہوی ژہ رتو جزا پس
 اسہ کر بہو نبو تو اب عظیم
 داتنی مرونی گلن نا چارہ
 کیا خطا کر منو ژہ چہو ک پزار
 بے سند بے دلیل بے بر مان

نہ کنت نهيتكم عن زيارة
 القبور فزودوها فانها لنا
 في الدنيا وتذكر اننا شجرة ابن
 مشكوة باب مذکور فصل مذکور

۲۷

مع نماز المعاد فی ہدی
 خیر العباد و عباد اول

متہ سداو تالوس کر پو سو آخ
تراوہ باران لاگنہ اودہ یہ
یہ دین مائمن گرشہولاران
یہ چوہ تھو واقعہ ہریر نظر
شوبہ ماسائلس تہ غنائس
کرہ میٹہ کر یہ آسان فراخ
فرہ سبزی تہ لوک سپن سیر
نبیس نش تہ منگن باران
کالہ ات پچھ عمل کہنی بنہ کر
کرہ سوراخ روضہ پاکس

قولہ

چھوون ورکبیر ظہرائی || آسوشخصا بدویر عثمانی

جواب

کرہ ناو نو بزرگ زندہ دعا
لیک بعد وفات آنسور
چھنہ ثابت تیج سندنا حال
راوین منہ چھو ابن ہاکھا
بحث طاہر محدثن نش آو
پانہ میزان اعتدال رتہ پر
گو متیوک صحت سند مفقود
نے نہ صدیق آو کہنہ بوقوع
بسند قولہ سبت موکر جنگ
تت چھو شاہ حدیث نابینا
ونو یہ طہرائین نظر تکر
چھو پتہ راوین اندراشکال
چھو بیس ناو طاہر عیس
تتہ مجھول حال طاہر دراو
تت اندراہن وسب چھو منکر
قابل اعتقادونی مارو و
چھو تہ نہ قصہ دعا موصوع
چھو سو واپس بصیفہ پیرنگ

قولہ

در تشہد مخاطبہ وسلام || آیہ واجب بجدہ فاضل عوام

جواب

لہ الرحمة المهداة الى
من يريد ترجمة
المشکوٰۃ جلد ثانی باب
جامع الدعاء فصل ثانی
ص ۱۱۲

لَمْ يَجِبْ مِنْ حَيْلِ فَضْلِي فِي رَأْسِي
ثُمَّ جَاءَ مِنْكُمْ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى
وَعَلَيْكُمْ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى

ما لك فانك لم تفضل
عليه يا ابي

فصل اول در بیان احوال و اسباب

بسم الله الرحمن الرحيم

عبدالله بن محمد

۹۰
ص ۹۰
کتابخانه
ان

الحديث

سید محمد علی

سید علی بن ابی طالب

[illegible]

عن ابن السكيت قال

طبيب

جواب

پیر بہ مشکوٰۃ چہوی سن راوی
التحیات یوسو متو پیرہ ناو
یتھ کن پس رسول رحمت ان
نتہ لفظ خطاب وقت حیات
تجو لفظ کلام ربانی
نتہ روی سخن چہوی جاب
متہ منزہ دراوندہ بنی حاضر
نتہ بیت جابہ آسیہ لفظ خطاب
مثلاً امر جاہدا الکفار
یوسونہ تی زانہ پس حق درتن
بوزہ ناوانہ عبد اللہ یہ خبر
چہود عاشتہ معنی انشاء
وحینہ صلوا بلفظ انشاء

قوله

حضرتن اس نماز بچھناوی
سودہ کی پاٹھ یاد اس کہ نہ
چہہ مخالف سورہ قرآن
رو و سوی لفظ حفظ بعد
لفظ چا نوی چہہ ماتہ کو مانی
در تشہد تہتوی زبان خطاب
از چہہ پانہ یہ کو عقیدہ مضر
تہہ ون چہا تہوی مراد کتا
قل لا ایزوا جکست معنی تار
السلام علی النبی پین
گڑھ بخاری بیہ موطا پر
عائبانہ نہ پورگی منشار
تہہ شرط خطاب اکنہ دراو

پچھنا و و و و و توه طریق درود

جواب

تھڑے ہاتھی وردک نور | تت بدل چھوک پرین درو حوض

قوله

بوزونی ترا و سفلگی ددنی | دیو رسولن و نیوا عینونی

قوابل

[illegible]

۲۱

یا ایها النبی قل لا زواجاً وبنیاً
ان كنتی نزدن الحیوة الدنیا لایة
علیه وسلم ابن مسعود بنی یاره مذکور
السلام علی النبی ورحمة الله وبرکاته
نما اراد ان یسلط قال السلام علی النبی
رحمة الله وبرکاته الحدیث الامام
چون در حدیثی که در اصل یحیی بن یحیی
صیغه خطاب بوده دیگر نقل شده و داده
(فی باب ۳۲)

[illegible]

آسه میوند و نتو سواشی تبت
ز تاره پنیوی بکر باں خواری
سندس کفو زه مانگه ترا و تو
را و پناه اک چو ناولتس مرف
سو چو شخصاه ضعیف ته منکر
سو چو مجبول حال بوزت تهاو
کیاه بنت چها یکان حجت سوی
غنا بین کفو کران چو ک زاری

در حقیقت چه سفله سوی فرو
چو بس نصیب سحرته ناداری
بوز متن حدیث بس تا و تو
سندس کنوثره گزشتیه ولی مصر
تسندس منز و نان ابن حجر
ابن عز و ان بیاکه اوی آو
انقطار سند ته تت منز چوی
کیا و رتت چو کیو کری یاری

سیر کره ون چیم بر زمین فلک

اولیٰ بعد نقل مجموعہ ملک

تیت اندرو چیتہ ما چہو ذکر زین
جنتس منز و فان آسوس کا
دور محشر تیک ملک پاداش
کیا کر تو پانی لجی بارہی
کاشف الضریس الایہو
دین و ایمان بہن کر تو بر باد

جوا
 زه کر تو پیش یسوع حدیث این
 مکان سبت جعفر حبیب
 ترجمه چهری غلط زه لکھتوفا
 بیہ نا و تو زه نقل خبازی
 حی و قیوم ترا دہن یکو
 وقت سختی و ثوت زه پیر نا

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
رجم نجدى به صفات من يهتدي

بختم شور و لایم جیو مغز تن سوند
جو

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

لَقَدْ قَالَ الْقَاضِي وَبَعِيهِمْ
 انهم من البشر تصيبهم من الدنيا
 ويظهر على اجسامهم بالبطر على اجسامهم
 ليتبين منهم خلقهم من عيونهم ولا يفتنون بها بطرهم على اجسامهم
 من العجرات بسبب الشيطان من امرهم بالبطر على اجسامهم
 مع انهم غنوا من انوار النور وانا لست اظنهم من القاطنين
 من انهم غنوا من انوار النور وانا لست اظنهم من القاطنين

وَيَا اَيُّهَا الَّذِي اَتَى فَاذْكُرْ اَنْ اَكُونَ اَكْثَرُ نَبِيًّا
 رَسُوْلِيْنِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ شَاكِرٌ
 رَسُوْلِيْنِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ شَاكِرٌ
 رَسُوْلِيْنِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ شَاكِرٌ

من انهم غنوا من انوار النور وانا لست اظنهم من القاطنين
 من انهم غنوا من انوار النور وانا لست اظنهم من القاطنين
 من انهم غنوا من انوار النور وانا لست اظنهم من القاطنين

چو گوین قاضی پیمای کلام
 نینه بخت واره تم چه قسم بشر
 تم چه مخلوق حضرت باری
 گو پیوی اعتقاد حاصل یام
 بیست شیطان ناده واک نه
 یوز یوسو یوسوز معجزات نبی
 آسه شامه میوک کتاب الله
 یام ثابت سپین کرت تحقیق
 قادر دت سید السادات
 بخته تموسیت خالق اکبر
 آس نبین بین ته معجزه کیت
 لیک یوسو خاص معجزه دنه آو
 نت چو تاج کما فظون بسره
 حضرتن هوند سو معجزه زنده
 پرت زمانس اندرسو وعظ پان
 روز محشر تو تهند پیرو
 ره ون چپی نه معجزن هند راز
 صفت بد پیغ پیوی تا و تو

وات نبین مصائب الام
 چو تهوند خیم یوسو سو خیم بشر
 تم چه محتاج تربیت ساری
 معجزاتن وچیت و لن نه یام
 چو نصاری ز راه واک نه
 معجزه ننو گموز ذات نبی
 یا حدیث صحیح آسه سکواه
 چو میوک بس موحسن تصدیق
 معجزات و خوارق عادات
 کره تائید صدق پیغمبر
 گه تهند معجزه ته منی سیت
 حضرتن نت چو وحی قرآن ناو
 شرک و کفرس کرن سوز بر ذریه
 سوی چو تائید سوی چو تائید
 حضرتن هنده هر طرفه گوم کران
 نه یاده آسن سئها ته ثابت گو
 نه چچه کشول چو یی کر نوزه دراز
 رجیم پانس ره پانه کره نا و تو

پت حدیس اندر چو بدو اشکال
 جواب

من انهم غنوا من انوار النور وانا لست اظنهم من القاطنين
 من انهم غنوا من انوار النور وانا لست اظنهم من القاطنين
 من انهم غنوا من انوار النور وانا لست اظنهم من القاطنين

توره لوت و تو جواب تم یارن
 حضرت تو که سلام سه باره
 چھنه پوزن جواب سدن نو
 تام و شکر یک حضرت سدا
 مول موجی قدا بون توره یون
 لتوا او سه خاطر و نوم مه جواب
 درا و امه اندر پیش خیر انام
 چھنه تم پانه واقف احوال

پوزنه کنه پشاه ابرار
 توره لوت و تو جواب تم تاره
 حضرت تو هتو بخانه واپس یوف
 یابی گو مه شاد جان بدن
 السلام علیک پوزمه چون
 لبه تچه کثرت سلام جناب
 چه یون واته ناونه پیغام
 جز باسلام ایزد متعال

چھونه نت قید اطلاع نی
 تم چھه واقف بحال شیخ صبی
 قول جواب

پله بیت آس تم بحال حیات
 بو که وی عرض کرین احوال
 انت کنه واقعات زیر نظر
 پرته قرآن و ن چھه پانه خدای
 تم نفاس اندر گیت پر گم
 مسلم ته بخاریس منز آو
 حضرت تو و نو بو اک بشر چھه سونو
 کانه تونند آسه جنتس اندر
 بفساحت سو پوزه ناه کلام
 نت مطابق به پوزه بوشه تس

تله پوشید رو و احوالات
 اده معلوم گے قمن تم حال
 یم نه زانک جز اطلاع و کر
 بعضی ایل مدینه سرکش در
 چھی نه معلوم کنن تعلیم هم
 ام سلمه و ن چھه پوزن تنها و
 نیاه توه چھه پوزن انان مه کنو
 کانه متد کھوته پش زبان اکور
 مه گانه کرشم چھه صادق تام
 دمه بو فیصله تس کتو بس

لا تعلیمهم نحن نعلمهم آرا به سوره توبه
 مع انما انما بشروا فکمه تختصمون الی
 وعل بعض کما ان یکون الحق
 بجسته من بعض فاقصی
 له علی نحو ما اسمع منه فمن
 قضیت له بشی من حق اخیه

من القاص متفق علی شکو باب اقصیه فضل
 فلا یأخذ نه فانما قطع له قطعه
 ۳۵

انا و غفر الله له و غفر له و غفر له و غفر له
 عن عائشة انه عليه السلام قال
 بيكث عند زيد و غفر له و غفر له و غفر له
 انا و غفر الله له و غفر له و غفر له و غفر له
 فقال لا بل غفر الله له و غفر له و غفر له
 انا و غفر الله له و غفر له و غفر له و غفر له
 فقال لا بل غفر الله له و غفر له و غفر له
 انا و غفر الله له و غفر له و غفر له و غفر له

کیا و سبب حق مکرم سوای اکل
 کرو بلان سوال پیش بنای
 بیچھے سائلہ کہم چھ تہ
 سو و پان پور اک چھ از انصاف
 تم دو بارہ پر تان چھس کی زن
 تم و پوک ز و جہ بن مسعود
 رہ مین دون تہ ساندہ طرفہ جواب
 تہ دونوے بتادہ حجرہ نہر
 بعض از واج طاہراتو یا م
 طرچہ طرے و پوک کھوان چہ
 یہ پور پہ آہ سورہ تحریم
 کیا زہ چوک تت کران حرام نہ
 آسہ پس با طلس ہمیشہ نظر
 حضرت تو منتخف کرت اک زلو
 چھو س تم نش انور کو تک مال
 پیو تلس شک تہنر و چیت کثرت
 او واپس او و تکی ول ول
 بقمہ تنو فر و مہ ز ش ز کو اتہ نش
 گے تہ بو زت بلول خیر بشرع
 و تہ نیمہ وقتہ ز یوسٹ شخص شنو
 چھ پان کیا زہ زلو کھو تلس

حضرت نش نش عرض کر جل جل
 تورہ غفر تو کر سو یہ خطاب
 ون کو تھا و سو پر تہنر تہنر
 چھو پس و زینب ای سردار
 کو سہ بیچھے از تہ یانب ون
 پس دین چھس ہمیشہ مہود
 بہتھ صدک فک تم دو گن چھو تہا
 تم بلاس تہنر پر تہ تان خیر
 ہتو مفاہیرہ بوی زشتک نام
 حضرت تو کر حرام چنی شربت
 حق ونن بو زای رسول کریم
 چانہ بایت حلال کر و یہ حق
 لگہ تلس و سو کہ کانسہ ہونہ تہ
 کر و روانہ اکس جاتس کن
 تورہ تم درے بہر استقبال
 تم چھ و دامت سہ مار تہ بایت
 چھو کرن عرض یا نبی تم ول
 در اسے لار ان تم مہ خون چھس
 تت جاتس کنوی کڈک لکھ
 شک حق و فستہ تت جاتس کو
 آسہ مانا رضا بتی آسہ پٹھ

انا و غفر الله له و غفر له و غفر له و غفر له
 بالصفح لہا ما اذنی لہ تخرج ما اهل الله
 تاکہ تفتیحی موصافہ انوار و احباب
 اللہ سورہ تحریم

من امتك يا رسول الله فقال اريدت
 جليل دهم بهم الا يعرف حيلة قالوا
 علي يا رسول الله قال فاجابوا
 عن محجلين من الاوصياء الحديث
 سلم مشكوة كتاب الطهارة فصل ثالث
 في ليدون على اقوامهم
 وبعثوني ثم محال
 ٣٨
 يعني وبعثني فاقول انهم
 مني فيقال انك لا تدرى ما احل
 لك فاقول سخطا سخطا لعل
 عبدك فاقول سخطا سخطا لعل
 عبدك فاقول سخطا سخطا لعل
 عبدك فاقول سخطا سخطا لعل

جمع آسوک کرت کو تک مال
 سوکین توره فوج گو پوره
 چھوک دین کتو گڑھو تونو پور
 تم ز اسلام دل بنا خوبی
 چھوک دین کتو گڑھو سیو فیت
 سے خبریت سوکے مدینہ بو اسر
 آئے فیت چھو معتبر ہمارا
 ئی کر نو عرض مال سمیت چھو
 درائے اس بروٹھ تھس پٹے کریم
 اسہ ڈیشت وئی سو واپس آو
 عرض نموند قبول درگہ گو
 بہر تصدیق تام آہ ہیا
 فوج سوزک متن ز بے خبری
 عرض کرو صک قیامتک وہ ٹھ
 چھوک دین ظاہری نشا وچیت
 واتہ تیو تیو متن سو آب وضو
 پاو دست و جبین چھک نندان
 گو یہ ظاہر مگر سو حال درون
 حضر تو توره چی خبر یہ ترونی
 پڑہ ناوک بو پام پانہ چھیت
 کرہ تریشاہ دنک ارادہ پام

سوزاک معتبر تمو فی الحال
 فوج یا مت پکن چھن پور
 چھو مگر اک جماعتہ مغرور
 آسہ تہنری کرن چھو سرکوبی
 دینہ سی منز چھو دل تہندیرت
 عرض تی چھوم کر نو پور اس
 گو سو در خدمت رسول اللہ
 کو نہ حصن قاصدن تھو ند سوئی
 چھو نہ معلوم تھس کیوک لگو بیم
 مینو نہ مال ز کو نہ کوی تھ ناو
 تام مال ز کو نہ ات پت پتو
 آوان جاء فاسق بنسہ
 آس حالانکہ نہ جرم بری
 پڑہ ناوک امیتی کتھ پاٹھ
 پڑہ ناوک بو تم مہ تہا و بچیت
 آسہ سوی تان روشن و باضو
 سوی نشانہ وچیت بوزانہ چھو مینا
 چھو نہ معلوم کانسہ حیرت بچون
 کو تھس پٹھ گڑھم جاتہا ننی
 دیہ چھم امتی نشانہ وچیت
 گڑھہ منسرباگ پڑہ حال نام

بيم كره و نونه كانه اكهاهه او
 تم رهي قسمه لي كرن انكار
 تام سیه خوه سند طرفه گواه
 حضرت و پور و پور شهادت بام
 توه پت چيم مده وني گواهي پور
 تته پته پور و توه پته آيه تمام
 مسند احمد اندريه خبر
 روي محشر و نان حضرت حي
 پر نه سرت قوم كن كن الله
 توه تبليغ و اتنودا تم
 تم دين نه پس آن زبان و غفر
 سو كرس عرض چو پوچا نو كدا
 حق و نس كوه نه چوي تيموك شاه
 بيه يم امتي ته سديون
 گز سیه آلوته امتي ين تام
 كيا كره ايم پيميدن تبليغ
 تم مقرر ت بن و يك واجد
 تم دين توره سون پيميد
 و نوتتي پرت پيميد مطلق
 تته پته حضرت توه پته آيه پور
 پس به فرماوه شاه لاشاني

له ابن كشي

چون

امه بابت نه كانه اكهاهه او
 و پته نوتس نه نيرت شاه
 سرت مته امتي سو ونيك شاه
 نوح قومس چو ووت گمته پيم
 امتي مسيان پور وني چو پور
 لست كوه نو اچته شهيد تام
 چو وني وني بوسيد خدي پر
 ين پين قوم مته بني ساري
 توه نش ووت پور وني زاله
 دين حق نا ووت چو پور و تام
 پر نه پيميد س نه و نوتها پور
 حق تبليغ كرو مده پور ادا
 و پته اك چو م محار حاسد
 ميانه بابت يمي شهادت دين
 حضرت مهند من پر نه سرت ين تام
 كيا به اوسا مين كرن تبليغ
 توه سبت بابت چو كوه تيموك شاه
 پور سو چو تم بوزه نا و اس خبر
 كرو ادا سوي رسالتك پور و حق
 تا شهيد متولاوت كرو
 تت چو شاه پيميد قرآني

الحمد لله اعلم من في السموات والارض
والغيب الا الله
(سوره نحل)

ولله غيب السموات والارض
والآية سورة نحل

قل الله اعلم بما لا تعلمون
السموات والارض
الجب به واسمع
(سوره كهف)

ولله غيب السموات والارض
والآية سورة نحل
والله اعلم بما لا تعلمون
والله اعلم بما لا تعلمون

۲۱

الآية سورة نحل
والله اعلم بما لا تعلمون

والله اعلم بما لا تعلمون
والله اعلم بما لا تعلمون

والله اعلم بما لا تعلمون
والله اعلم بما لا تعلمون

والله اعلم بما لا تعلمون
والله اعلم بما لا تعلمون

والله اعلم بما لا تعلمون
والله اعلم بما لا تعلمون
والله اعلم بما لا تعلمون
والله اعلم بما لا تعلمون

ثمة ونوت کیا ایک میو کی ہنرا
نسبت خاک کیا بولم پاک
چھوک کرن التجا ثمة برن کنو

قوله

علم غیبک بیان چہ پانژم نجم | سنگباراں و ما بین کتور جم

جواب

نی عقیدہ موحدان چہ بس
یہ صفت خاص و متسی اوت
عالم الغیب ناوتس نہ بن
چھ تکی یہ پانہ پچھاوس
صفت خاص واحد قہار
کبرہ سوی کانسہ چھوت اوار
نہ ونوتس محیط کل حاشا
پوت وتوتس تتوی کڈن سوبر
تی چہ معنی ولا محیط نس
تم نمی سیت گے نہ عالم کل
اوس گاسے سواوس نہ ہرم
تل چہ اوہ امتی نہ عالم غیب
امتی باخبر متو کرہ نام
حق تعالیٰ بن ولا قو ملک
ناوت غیب بتی حق و تو

و چہ گواہی چہ کیا بروز جزا
عالم آخرت چہ عالم پاک
عملہ گزراونک چہ مسئلہ بتو

علم غیبک صفت چہ خاص
عالم الغیب ناوتس اوت
کتہ متسہ تہ بن نہ یس سوتن
بس تتوی زانہ یوت سوی اوس
علم غیبک سمندر راہ بے تار
پدو متی اندرہ قطرہ کانسہ طہا
قطرہ بیم چہ سوچہ نہ تم وریا
یوت نہ تکی تھی تھون چہ خبر
علم کال چہ خاص یچونس
علم سزوی و تنو شاہ سل
سو و تنو معجزہ متن بہ کریم
پدو متی سیت تم چہ عالم غیب
تت سبب ہی متن خبر کے یام
سورہ ہو و پرتہ پرو نو چھک
گو یہوی و تم یو سو و یوم نا و تو

لے دیکھو کہ مٹی کھلے اللہ اللہ اللہ
 ان کہتے ہیں کہ مٹی کھلے اللہ اللہ اللہ
 سورہ اعراف
 مٹی کھلے اللہ اللہ اللہ

سورہ اعراف
 مٹی کھلے اللہ اللہ اللہ
 سورہ اعراف
 مٹی کھلے اللہ اللہ اللہ

سورہ اعراف
 مٹی کھلے اللہ اللہ اللہ
 سورہ اعراف
 مٹی کھلے اللہ اللہ اللہ

چہو بہ لفظ مٹی سوال یوں
 تنہ و لو ما حقن رسول کنو
 بلکہ ہی امر اس و خلق
 بر علی الغیب سورہ تکویر
 یسیر چہو لہن بہ خلیل
 چہو و بن عائشہ اپنے تم و لو
 پیمہ و عیدک حدیث کے سہا
 روز محشر زناہ و وزخ بن
 حضرت ہونہ بین چہو صبا
 مٹہ آسوک لکن اندر با و لو
 و لو متو غیب دان چہو خدا
 علم کلی خدا یہ سی شویان
 آہ میت معجز سند حکم
 بت سند آہ ثابت فائق
 نتہ و ہم دو بارہ پرن پول
 یا و نک کافسہ ہونہ مرت بیہ روح
 یا چہو ارواح اولیای کرام
 ات خیالیں تجسس ہزاراں با
 و نو حقن من و را ہم بزخ
 مومن کتو چہو خشتک بہ رام
 گے تہند روح بستہم گے فوت

کریم و عسہ قیامتک سین
 و ن خبر چہم مگر یہ چہو منہ و نو
 علم وقت قیامتک چہو حقن
 چہو شہادت و ن خدا ہی قیدہ
 چہو نہ نت پچھہ ہن زانہ نہ خیل
 چہو نہ تو تھا و کہتہ کھشت ہم و لو
 علمہ نش تھا و ہ یو سو کھشت کشتہا
 لا کما ہست ہست ہست ہست ہست
 چہو نہ ننا و صاحب تبیان
 چہو نہ شان ہی کھشت تھا و نو
 حال پوشیدہ زانہ و نو سو خدا
 علم جزوی سورہ معرہ تابان
 معجزہ سوی رسیدہ عالم
 کہ امت چہو مانہ نش لائق
 بوجہ ہونہ بہ وری گشت نہ و لو
 چہو بدنیایوں بقیض و فتوح
 و انہ وان جایہ جایہ بہر نظام
 سانہ طرفہ چہو نفرت و انکار
 چہو بہ ن کتو سراے بد و وزخ
 ہم چہو مشغول نت صبح و شام
 یورین کتو قضی علیہا الموت

سورہ اعراف
 مٹی کھلے اللہ اللہ اللہ
 سورہ اعراف
 مٹی کھلے اللہ اللہ اللہ

سورہ اعراف
 مٹی کھلے اللہ اللہ اللہ
 سورہ اعراف
 مٹی کھلے اللہ اللہ اللہ

لا تذر ان الهتك ولا تذر ان ذرا ولا سدا عما
 من قوم نوح فلما يلكوا اوحى الشيطان الى قوتهم ان
 انصبوا الى مجالسهم التي كانوا يجلسون فيها
 انصبايا وسموا باسمهم ففعلوا ذلك بعد
 حتى اذا ملك اولئك من نبيهم
 ثم المجده ١٤١٠ بن كثر بن عبد
 دكتة ابيادك حدث في الارض من غير
 وخذوا اول شركك عن ابن عباس
 من قوم نوح فلما يلكوا اوحى الشيطان الى قوتهم ان
 انصبوا الى مجالسهم التي كانوا يجلسون فيها
 انصبايا وسموا باسمهم ففعلوا ذلك بعد
 حتى اذا ملك اولئك من نبيهم
 ثم المجده ١٤١٠ بن كثر بن عبد

نه و باره بنوی دنیا چو ک
 حق تعالی چو دانه وانه و جهان

یورین کیازہ تم کر نو کیا چو ک
 ساری عالمی سو پانه چو جهان

قوله

چو شیوم نجم بخت نذر نیاز

رجم بهر و ما بے نیاز

جواب

بخت نذر و نیاز لاگت زیوٹ
 و تر سناوت مسائل فقی
 بور شرکک سٹا متوروش
 شرک یو سو عالمی اندر گونو
 اک کر نو قبره ہوند ز حد عظیم
 قبره نش اسجد اسپنو شرکس
 بت پرستن قبره پرستن پور
 سورہ نوح پرہ و من چو و دو
 تم چہم و دو سواع روز ہونو
 بوز تفسیر یہ کر مہ قیاس
 نیک مردن ہندی چہم نام
 آو شیطان دنت لکن شچھ گو
 پتہ پتہ آس تم بہان ساری
 یاد کاری تہتر متن جابن
 یاد گارن تہتر متنی ہند
 بیخہ متوسیت یا و تم روزن

پانی کتوڑہ چوی منزل کرٹ
 و تر تھ ماوت پنی پتہ چہم ہی
 بوزونی اصل مسئلہ کر ہوش
 نت سبب ہی چہم عالموتی و نو
 پیہ عظیم پتہ کر نو ت تسلیم
 پتہ پتہ آو زانہ تی ہر کس
 پانہ وانی براہدی چہم ضرور
 پانہ زن آسمت اپر معبود
 سو یفوت یعوفی و تر تھ بوز
 پر بخاری و من بن عباس
 قوم نوح اندر مرت کے یام
 دوستان خدا مشن چچھ گو
 از برای عبادت باری
 پتہ و تو توہ یہ کت و نیو پان
 توہ کر یو یلم چہم نیک بند
 توہ پتہ با جبر تم روزن

ص طلب الجراح من البری
 والا ستغاثۃ بعد و فکنا اصل
 فکرت العالم انہ مداح الکبیر الاول
 فتح المجید ١٤١٠

۴۴

قال الخافض رحمه الله عليه
 قال غيروا حال من السلف كما قالوا
 عكفوا على قلوبهم ثم صوروا انما ثيابهم
 ثم طال عليهم الاصل فغلبهم
 فتح البجلي ص ٩١

قال ثم زكروا حبلًا مسلًا و
 كان حبلًا في فمهم فلما مات اعتكفوا
 حول قبره في ارضه... و غلبوا
 عليه فلما ماتوا اطلبوا جنتهم عليه تشبه
 في صوته هذا الرجل فكلوا من ارضه
 حبل عكفوا على هذا الرجل فكلوا من ارضه
 مشكاه فكلوا من ارضه قال ثم قال اني اوري
 قالوا نعم فكلوا من ارضه فكلوا من ارضه
 ما بهم من ذكره قال هل لكم
 ان اقبل في منزل كل رجل منكم
 ثم لا مشكاه فكلوا من ارضه
 فكلوا من ارضه فكلوا من ارضه

پس تم نو پا و کار کر قائم
 کر نه کنه به بندگی تمونین
 مود بیه تم ته آکے لوک پتم
 ہر تموبندگی کرن مردن
 سلف صالحین و بن اکثر
 قصہ لوکن تہند سٹھا لگ میٹھ
 ابن بوحسائن سیار کراز
 اوس شخصہ بزرگ نیکو لی
 تس اندر پل و چپک علامت جو
 بقضائے خدا مر ت سوی گو
 آسے تم نہ مجاوری زمارت
 چہ و دان تہ روان باکہ دوان
 او تامت بصورت انسان
 چہوک دیان کیا زہ چہوکت نام
 تو بہ ہر دم سوروزہ نظر تل
 گو یہوی مشورہ متن نہ پسند
 بت بشکل بزرگ ناوت تم
 یاد کارس کنوی و چرت ہزار
 یام مشغول ات اندر کے پور
 تو یہ سالن پوان چہو مینو مینو
 مشورہ مینون چہو سٹھاہ تصویر

بر زمین رو و زندہ پوتان تم
 نہ تمبوک پید گوک در دل ظن
 آس از علم دین خالی پیم
 یاد کارن کنوی فرن گردن
 مود بیه تم بزرگ دین پرور
 قبرہ فی پٹھ متن مجسا وریٹھ
 و نو ابو حفص بن یہ بعد ساز
 رتو مسلمان زروے خدا دلی
 اوس لوکن مکتو سٹھا محبوب
 مسندن خاوم من مصیبت پوج
 گے تم قبرہ متنسرت لارت
 زن متن لو کہ چہ شہر کہ دیان
 دھوکہ دہ ظہر متن شیطان
 یاد کار راہ توند کر یو قائم
 مشہ نہ تس بزرگ سنسرت او کل
 تمام اطلبس کہ سٹھا خرسند
 پانہ او تو تک ما تہو بناوت تم
 یاد توند کران چہو تم بکار
 آکشیطان نان چہوک بکار
 گرشہویہ تصویر بزرگ کرن
 بوی بناوت مود و چہم تدبیر

۴۵
 فاقبلوا فجعلوا الجدار لہ یہ قال و
 ما یصنعون
 رد مرس امر د کو ہم ایام حتی
 اخذہ الکھا یعبدہ نہ من دون اللہ
 اولاد اولاد ہم فکات اول صاعبد
 من دون اللہ و ذالک ابن کثیر جلد ۴
 ص ۲۲

انظر شرح المجلد ص ١٢٠
عنه ان لم يكن اذا كانت فيهما الحبل
على قبره كالحبل المتفق عليه في باب
اولئك شرارة خلق النار في النار
التصاوير في فضلها

فوت کے چھ مہینے کہ کہنے قباب
متمہ وزہ خاتماہ نہ استان
چھوڑو عالمیہ کرن اظہار
یعنی اسے ملک سوکس بلکہ سرگرد
اسے یا مدت نصرت منہز او
تس کتاباہ چھ شاندی نزدیک
سوز اسے جانب بن خطاب
نہ وہ قبر بنو بنو تی بو نہ
خاک و خاشاک باقی بن منہز
لوک بو تھنہ کڈت تنس نہ مرار
یو تھنہ بنس سٹہا کرت کوشش
وہ وہ تھنہ سیت تم تراران
تھا و نہ بہ نہ بین توے موجود
ناو تس اوس وانیال وپان
ن نہ تھا وک نہ قبر ہند اشار
یو تھنہ تو حیدہ نش گرتہ بن گم
قبرہ کنو یو تھنہ تم کرن ای
کانسہ بلکہ کرو سو کو گناہ عظیم
بلکہ تس یو سو چھوڑ خوش بران
پر اذامات فیہم الصالح
چھ کران قبرہ تھنہ عظیم

قال الساجي في شرح المنهاج
 انما القصد من هذا الكتاب هو بيان ما يقع عليه
 من قاصد العامة في تعظيم القبور وبيان ما يقع عليه
 من قاصد الخاصة في تعظيم القبور وبيان ما يقع عليه

من قاصد الخاصة في تعظيم القبور وبيان ما يقع عليه
 من قاصد الخاصة في تعظيم القبور وبيان ما يقع عليه
 من قاصد الخاصة في تعظيم القبور وبيان ما يقع عليه

من قاصد الخاصة في تعظيم القبور وبيان ما يقع عليه
 من قاصد الخاصة في تعظيم القبور وبيان ما يقع عليه
 من قاصد الخاصة في تعظيم القبور وبيان ما يقع عليه

پس بنی صاحبین کروس ارشاد
 چهو نه مته نذر کوی وفا لازم
 امه منزله دراو گو سو نذر خیس
 آستن نذر بهر حق سبحان
 چهو ون رافعی چه بوزت تها و
 آسه استان یا به قبر و لی
 یا تم بیهو تمور توی انسان
 نته تت جابه بیهو گشته بیهو متو
 تت اندرید و چهو قصد نادره سو
 نذر و نه وقت آسه تش مقصد
 نته تعظیم زاویه بهر چه خوب
 نته منسوب بس کنوی چهو بنا
 یل امی قصد نذر و لو چهو شیران
 بلکه نذر رشع نه رو عن
 ثبر فی سهند خیطره شکل
 نه رواقبره فی چهو سوز نو تیل
 تت سبب بی چهو نادره سس نری
 برکت قبره نش کرن حاصل
 تش گمانه ز روی نادا رنی
 پس چهو میخ نذر ظاهر البطلان
 زالنه آو و نگ استانه
 دراو پرت صورتش نذر سو حرم

که بنیو نذر پور لب شه مراد
 گشته میه سیت آدمی آثم
 مشر کن سیت آسه بیت منر پس
 شر کچه جابه بیهو چهو نه جان
 نذر استان خاطر و یو سو او
 نته بهر قبر شیخ آسه حبلی
 مسند کناوه گونا استان
 آسه نیکو تو کنا سو گمنو
 تی چهو اکثر رواج عن من هوند
 قصد تعظیم لقبه و مشهد
 نته مدفو نه سو نذر چهو مطلوب
 مسند کناوه یا گشته سو بن
 باطل و غیر منعقد سو گشته صان
 یا تهتوی آسه بیاک چیزه زن
 سو چهو پرت صورتش اندر باطل
 چهو می فتمه نذر قبر خلیل
 قبره پخته و نگ تش منر می
 بیهو تعظیم قبره هوند و ردل
 چهو می سیت رب رحمانی
 شه مه مغرور گشته بقول فلان
 واته تمه سیت فائده بیهو
 بود و باره چهو سه و نان چهو حرام

نصیر خبره من انانیا بهر و الا اولیا و فان النادر لا یقصد
 بذاتك ان یقصد على القبر الا شرب فی الطب سله و الا یقصد النادر
 ذواتك قریه فیه اعمار رب سلفه ام لا اتمی فیه الجحیم
 حکم سوار انتفع بهر ناک منتفع ام لا اتمی فیه الجحیم

کروان و عا از انجا خواستن و نذر
 بلکه چهو نادران بکفره اسانه پیغم صلی الله
 دسمل بر آنها لست گفته و از ان صغ فرموده و
 گفته که قبر مرآت نه کنند لایه مندر ۸۸

له قال الشيخ قاسم الحنفی فی
 شرح در البحار فیهذا النذر باطل
 منہا انہ نذر مخلوق
 بالاجماع لوجہ ہما ان
 والمذکر بلحق بالخلق ومنها ان
 والعبادة لا تکلف بالخلق ومنها ان
 والمذکر لم یثبت والامور دون الله
 فی ان لم یثبت فی الاصل اذا علمت
 فی ان لم یثبت فی الاصل اذا علمت
 والاعتقاد والادعاء والادعاء
 ہذا فیما یؤخذ من الادعاء والادعاء
 فیما یؤخذ من الادعاء والادعاء
 فیما یؤخذ من الادعاء والادعاء
 فیما یؤخذ من الادعاء والادعاء

چہو و نان شیخ قاسم حنفی
 آستان کنیزی بشوق انسان
 کیا زہ باطل سو گو سپنو مرید
 اک سو مخلوقہ سنگد بابت او
 نذر گونا عبادتک ورتا و
 بیہ و تو غیر قابض چہنہ و ت
 بیہ ظن تھا و ناورن و رول
 زون تم مروہ پیر خود مختار
 بچہ عقیدہ چہو کفہ ستر پاپا
 تمہ پتہ سوی و نان ای ناظر
 پس چہو ر شہر لوان لپو سو چہر
 سوی قبرے ولی نہ سو لپو ان
 سو چہو بیشک حرام تت خواری
 مشرکا تا و چہوی ژہ کت چھناز
 و چہ تو ہی اندرہ یام کا نراہ او
 انہ تغلیم قسبر شیخ بجا
 نظراہ ر شکر م مدو تہ رویم
 نذر پیرس انوم کرم بخشش
 گوڈہ سوی واتہ میانہ دوس
 بیلہ راضی کتر ہم سو پیر اول
 و نہ قتی قتی بخش یہ آسہ و نہو
 قبرہ نشیل کر نو یتھوی ورتا

عام لپو سوندر ظاہر و مخفی
 سو چہو باطل باتفاق نشان
 تت سببے چھ تھا و تر لوے یا
 تہ نہ جائز توے سو باطل راو
 تت سزاوار غیر چہا ژہ مدراو
 مروہ بے اختیار بے قدرت
 جز خدا پیر حل کر من شکل
 کامہ فی منہر جز اپنے و غفار
 نذر شرعا توے یہ گو نہ روا
 بلکہ زانتہ یہ مسئلہ ظاہر
 در ہم و شمع و زیت جنر آن نیز
 بتقریب تنوی انت چہو ووان
 چہو مسلمان و نان کی ساری
 شرکہ برہر چہو چان نذر و نیا
 بت نیا راہ سو آستان شاد
 تھا و ہمتون دلس اندرہ رجا
 و قنہ و قنہ لپو سوی مہریم
 سوی وسیلہ نیم خدایں نش
 اوہ و انم خدای فریادوس
 اوہ شایدہ مشکس گڑھ حل
 کھا و تہہ کن رشن نیاز پتہ
 ات ساو کس قبر پرستی تا و

نخستین کتاب که از کتب معتبره
 فی الجب نسفا انما الله لا اله الا هو وسبح کل شیء علی علمه
 سورة طه

نوشته لا اعلم لمنها فی رساله خود
 کتاب ولا استند ولا نقیض عمله
 عن احد من العلماء الا منته الذین
 هم القدره فی الدین المتسکون بآثار

المتفکرین بل بآثار بدعتی احدیها البطلان
 وشیءه نفس اغنی بها الحاجات
 تفهیم ص ۱۰۱

امه قسمک نیاز یم ساری
 نذر امه قسمه کی نه من جائز
 یا نه تی مانو متو پتو ژه ته چیت
 قصد نادر چو پید تقرب پیر
 اده بیجه نذر چو ی قبیح و حرام
 اجر خیرات مو من سوز لوف
 یه سو کر ن قبره نش لقو شیخ
 نذر لشیخ کھاوش نه دلیل
 کھاوشه خاطر چو للفقراء
 کیو یم کھنو ثوابه بابت کھنو
 سوی حق موسن دو گانه پرو
 سامری پو ژه دراک شرکک مانگ
 ساینه طرفه جواب اشد چو
 روز مولد تر روز عرس ولی
 فیا کھانی و نان چو ی کن تمام
 اپز یار پو تیار کر و بیجه دو
 چله ته پاروش نیاز گوا
 حضر تو نمی نه امستی ماچھ ناو

شرع پا کچ متن چھه بیزار ی
 نه چھه تم کھن نه تم چھه دن جائز
 بو ز پنه نیو کھو یه پا نه ولوت
 بطریق عبادت و تقصیر
 مشفق ات اندر چھه سارا ام
 نه کر نو التجا چو مردن کھو
 بت پرستی یی چھه شرع میج
 سو چو مرد و و پو سو کر تو تاویل
 لام تعظیمه خاطر تهته جیا
 نه که تعظیمه خاطر تم و تو
 نه که تعظیمه بو هریره کرو
 اک مرت کھراوه کھو ته و ژه مانگ
 الذی لا اله الا یمو نه
 چھو نه ثابت نه متو ته بیلی
 نه سو و و در کتاب و سنت
 یم یڈل تم دوان تت منتر شو
 نه چھو کا یم نه با سھوی چھو روا
 یم کر ن تی چھه بس تمی و نه راو

قیه فارغ سپن نه روی فوک
 جواب
 ژد شه بابت انو حدیث گوا

مردہ سنزہ آشنه سوال کروک
 در او بهر جنازه و نهک شاه

ص و ما اهل لغیر الله بله الایم سوره مائده
 فائده در اساس معلوم که بغیر خداست نام پر جانور
 زنج میو یا بغیر خدا کی تعظیم پر و موارث

ع باطنی بت شرک کال سازند از لقو شیخ
 خدای بت این بت پوشیده اعم سر شد
 میض القرآن به عبد القادر علیہ الرحمه

عنه لم یکن فی زمان السلف شیء من
 ذالک
 بابت بالنه شیخ عبد الحق دیلی
 (ورد الموحیدین)
 ص ۶۹

ماکان لنبی ان یؤتیہ
الله الکتاب والحکم والنبوة
بقول الناس کوفاً عبادی من
دون الله ولا یجیر من

بتیبه کانتہ سربک برکت
مثلاً آ و کار مشکل یا مم
وقت مشکل مترا کن آ لو
یسه کوماه کن متن چویدا
خورو و نوشتن ندر پویش
بیه زانفت به حال هرانی
یه چو ساری باختیار خدا
زان سبب کامه مونا را ده یام
اس کرو کوم گر خداین شیوه
حاجته که وقت بل تم باون
یاک پیدا متن گزین اولاد
تم شکر نانوخته کرتی تربت
آسه ظاهر گزین چو حق عبود
یا خدا بخش نامم الله و
اسم عبودیتش در لطفان
یا و پیه ناوه بیت سومی کتو
عادته چه کامه سز کنی تربت

بل ولس یا و شکر کن حرکت
مندرمان خدا پیسند تمام
سوی کرک و حسرتک مالو
ابتدانت کن بنام خدا
تم رن حکم ایز و پاکس
شادی و غم نه خطا رزانی
و نو نه بنویسوا سوز چو کار خدا
تم کر نوین ان بیه بر لب تمام
سوی بر حمت بدو کر نو اسم گزینو
نامم الله یا و تلمه پا و ن
تا و اتقا و ن و رصیه تحاون
آسه تربت آتیز عبود بیت
عبود حلال پیته عبود و و و
استه الله ته الحمد و حمدا
نه که عبود فلان غلام فلان
یدویه تعظیم لوک غیرس کمند
نا و نت آو شرک فی العاق

قوله

نا و عب البنی کر نو چیه و نان | کفرته شرک نجد نادان
و نو خداین ره پر چو که شائق | کانسه بشرس یه اوسته لاری
بیه حق اس کتاب و حکم نه ورم | بیه سر نایه فوت اری

سائلین حاجتن سو پور کران
 مشکلن منزل بکار پانہ لوان
 یہ صفت نش چہ نش سوانہ پس
 یم چہ زانن پس بیشی قدرت
 خواہ ذاتی تمس یہ زانن تم
 اودہ ہر حال شرک پیوات ناو
 صفت خاص آن خدای عظیم
 کار تعظیمہ کوی سہماہ یوسورتو
 مثلاً کار سجد کار رکوع
 متندی ناوہ مال خرچ کر نو
 تہتہ بابت سفر کڈ نو دشا
 بہ کنبہ کار یم پتی امت
 نام تعظیم حق عبادت چہوی
 تت پوان شرک فی العباد ناو
 استن خواہ مشرک تسلیم
 زانتن یا کرت تمس تعظیم
 تمہ تعظیمہ کے وسالہ سبت
 شرک برت صورتان نہ شہ کوم
 ناوتت گوی عبادتی تعظیم
 بندہ بچناو تم خداوندن
 گرشہ یا و خدا فر نو تت منز
 بچہ گرشہک دورستی ایمان

سوی بلائین ہمیشہ دور کران
 وقت سختی مدد سو پانہ دوان
 شرک ات منز کران چہ تم چہ
 نامہ پیو شرک فی التہرف ات
 یا عطلے خدای مانن تم
 مشرکین پچہ حرام جنت او
 بیاک سوی آویت و ن تعظیم
 خاص کرو متو حقن سو پانن کتو
 گل گنڈت ایستادگی بخضوع
 متندی خاطرہ صہام در نو
 بہ تہندی گروک کر نو دیدار
 پیر تعظیم حق چہ نن در امت
 یام تعظیم غیر آسہ تہتوی
 چہونہ گرشہ روانہ بوزت تہاو
 غیر پانے چہولا نش تعظیم
 تت مہ راضی گرشہم خدای عظیم
 کرہ آسان خدامہ مشکل کبت
 کنبہ در چہوسنہ پن چہوش شرک او
 بوزونی بیاک عادت تعظیم
 دینوی کار سہ پوسو بندن
 بیہ تعظیم تمس کر نو تت منز
 گرشہ حاصل دورستی ایمان

بوز تو حید گوئی زان تو
 یخو تشنه ذات یخه فی سوندوا
 سور لو بهش اندر کتو چو
 یام ذاتش اندر قش سو بیایک
 چو صفت یخه خدای پاکس اتو
 ات ته پو شرک ناو فی ماوت
 مثلاً پانه حاضر و ناظر
 چیز نر و یک آسه یا سوئی و
 روشینه منز سور سیه یا
 سیر که یا ته سمند نیر
 چو کران حق همیشه به دیری
 به صفت بس خدای پاکس چو
 یه بهش سو و یوم ته زانته او
 گوته علمس اندر خدا بس سو
 خواه ذاتی سو علم زانته لست
 یخه عقیده چو مشرک اسان
 به صفت بیایک متون دی چو ام
 متصرف چو عالمن باری
 سو چو دارن ته زنده تهاون ی
 چو کران سو کثائل و دی
 سو کران تند است سو یبار
 سو چو متخ و شکست برده انان

صفتن منز ته ذاتی منز کتو
 سو چو بکت یکا نه سوی بصفا
 چو اولو بهش اندر ته کتو ی
 زانه نه آوتت و پان شرک
 یله غیر سن ته تو ی مقدر کرو
 شار عن تقا و متو چو فرماوت
 آسه و نو جایه جایه واقف بر
 یا سو نو آسه یا کشت مستور
 یخه زمین سو چیز یا به سما
 بد و نته آسه ته سو او فی چیز
 مته چیز ج بهشی خبر گیری
 چو نه ات منز و یوم قش نه بهو
 شرک فی العلمت پون اده ناو
 بیایک زانته به شرک اکبر چو
 یا خدا این و تو س سو مانته لست
 بد و بیوی ظلم کو چو ماشایان
 بار اده ته بامشیت تام
 می یز مان حکم فی کران
 آسه پون اناجه کھیا و ن سو ی
 سو ی بکنگی انان ول سو ی
 سو ی چو اقبال سو ی انان بار
 سو ی مران چو و بهر و انان

سو چو بکت یکا نه سوی بصفا
 چو اولو بهش اندر ته کتو ی

ص غلام گدوگ مراح جلد
باب المیم فصل الفین
بناء الفاسد علی
الفاسد

۵۸

که کان اسم ابی بکر الصدیق
فی الجاهلیة عبد الکعبة
فی الزمره البنی علی علیه السلام
فی البیان حاشیه جامع
البیان ص ۱۸۸

نه افانجد بن عبد الله
بن عبد المطلب الحديث
ترمذی مکتوب باب فضائل
سید المرسلین ص ۱۸۸
فصل ثانی

پنه کنه صحیحو متوسو شیبیه یام پس پیروی ناء تسو رتاده گو ناو سوی عبد مطلب تسو سوتو متو یام صبح و شام و پنه خلعت و حی حضرتن بیه تو کرو توے حضرتو پیروی چیه ناو پس عبد مطلب تسو تل مننه سیت کاننه غلام تنان یوسو لکته یا چو و اتو متو بشاب ورا و حکمس اندر جدا سو غلام معنی عبد چها محب اسم ما و زه و نوت عبد گو محب پس نام تو بگر عبد کعبه اوس تت بدل ناو تس کروک صدیق	گو گمانه تنن سو اسم غلام تراو شیبیه و نتو تنس گو گو یت نه کنه ائس معنی مقصود پس پیروی نام عرف عام پیو سو گمتو اوس مدتک تله فوت ناو تنسند نت بیان نسب بهر تعظیم غیر ماتس اوس نه که تعظیمه خاطره چیه و نان لغتن منر غلام تس نه خطاب تیه تعظیمه خاطره چو کلام در کتاب لغات و ن کته او عبد کعبه محب کعبه بو ز حضرتو تنس سو نام شرکی کوس یوسو نه فی طایفه تس بو ز نایق
---	--

قوله

یا غلام رسول عبد رسول یا غلام نبی زو شے چیه قبول	چون شرکی سو نقد کاید زو پس غلام رسول و عبد رسول سلفه کرد و محمد احمد نام آسم یوسو بدعتی چو متقی متقی
فاسدس پش بنای فاسد در او یا غلام نبی و نتو چو فو قبول کانشه تها و س نه سیت لغت هنو بگردن غلامین موند طوق	

له و طیفه با شایخ عبد
 القادر و شایخ ابوالکلام متصن است
 برای اموات را از اکمنه بعید و شایخ
 نبوت نیست که از اکمنه بعید ندانند
 بنفوذ این قول بکده اعتقاد و انکار
 غیبی و سحر و جادو و سحر و جادو
 در میان است و اعتقاد و انکار
 در میان است و اعتقاد و انکار

بنده کردگار خشنده

بن بنک کپاره بند سوند بنده

قوله

نجم میثوم چو شینا شد پر | به خبر خدین کلس چیه بتر

جواب

شو به و نوالیس چون کیا چو بر
 یاد کرد کپاره و نوت شه احیان
 سه تها و تو لکعت تن هوندو
 میت اینر جا بجا و نت بیبر
 برو نخته بوز تو چو زند پوسون
 تس و نوت تریش چاو کیش ترا کپاره
 تت بدل مرده سی کرت زاری
 آیه یم یم حدیث و نیت چھی
 واره و چیه تم لبک منگو زندان
 شه و نوت سید احمد سش آ
 شه لکوتواوس اک فقیر لکان
 سومنگان زندنی وکاندارن
 کیا منگک تس شه یو سو گتو چو مرت
 پرفت وای عبد حی کروا
 ورو یا شیخ عبد قادر زان
 اک چوتت من زندای مرده ووا
 چهنه ثابت گره بشرع پکت
 دوره جالو پچه سو بوز نه ندا

پانی چو بهوان پانه خبر
 ناست نجم میثوم تن باهن
 و نته ایتم به نجم علی کتته زاره
 مختصر حیم لکوتو چو تی بهتر
 تس و یو کر عسل شه کرا حان
 کره ممکن چیه توره رتو ورتاو
 یم منگو متو متس اسن ساری
 شه بن کن دلیل امت چھی
 نه که مردن ته مو متن بندن
 لوک ساری سمیت رنگ تس پام
 چیز لوکن منگان وکان بدکان
 شه مزارن ته مرده سرکارن
 کم خزانه چیه تس حواله کرت
 چو لکعت تت اندر پوی فتوا
 چو نه جائز به چند وجه شه مان
 یو سوندانا روا چو نا منظور
 آسه حاصل یو متس قدرت
 چو بهوی حکم دوستان خدا

اینه زندن مدد منگو بفران
 مومتق چو کپاره چیه بفران

عن ابن قتيبة عن ابن عباس عن النبي صلى الله عليه وسلم
 انما يشاء الله ان يجمع بين الدنيا والآخرة
 في الدنيا والآخرة

عن ابن قتيبة عن ابن عباس عن النبي صلى الله عليه وسلم
 انما يشاء الله ان يجمع بين الدنيا والآخرة
 في الدنيا والآخرة

بتقرب سفر كرت الا
 اك سو گو مسجد حرام هونو
 در او امه اندره قصد موضع
 چو نه هرگز رواه مسلمان
 كانه هوند قبه آسه يا استان

مسجدن ترن كنوي سفر چو را
 بيه اقصي ته ميانه مسجد كنو
 جز سه مسجد به نيت اخلاص
 نفی شامل چو سارني تھان
 يا نشانه علم ته قبرستان

مسجدن هوند به حكم فرماوك
 جواب

گر شه مير و عاوا استغفار
 مسجدك مكانه كانه زانت
 بتقرب ميتوك سفر زالن
 چينه يره كت شتر شين منظور
 او شخصاه ابو هريريس نش
 تور هانيرنگ سفر شه بهرگ
 بوز متو چوم ز شافع محشر
 مدين پلنه چارنه و و شين
 بس روايت سفر كرت چو كرتن
 چو و يوم سو به مسجد اقصي
 چنه فضيلت مين اندر مومو
 او شخصاه كرت سواوس شتر
 ابن عمر بن يوي حديث رسول
 تام مته قصده نش سو واپس نش

سجدا حكم كو يوي مزار
 گر شه به قصد يدي و پيك نيت
 رسم مته جايه هوند متوفيان
 آسه نز و يك تخته مكان يادو
 بوز گر چه شه بوز خج خواهش
 چو وس ديان يدي و نش برنوخه
 تور كنو شير نه بود مبه اي كر
 اس ظاهير كران تم بير سخن
 كنه جايه كنوي مكر ترن كنو
 اك سوي مسجد حرام روا
 بيه ميانه مسجد كنو ميتو
 مسندن ترن چو پير ابن عمر
 كو و طوس كنوي گر شه آسوس
 بوز تم ت زيارش چو تصور

مسجد الا اقصي فتح المسجد الحرام
 انما تشاء الله ان يجمع بين الدنيا والآخرة
 في الدنيا والآخرة

مسجد الا اقصي فتح المسجد الحرام
 انما تشاء الله ان يجمع بين الدنيا والآخرة
 في الدنيا والآخرة

زگره نشو

عن المرسليين انهم قالوا في فضل اول النبيين لا اله الا الله محمد بن عبد الله

۶۱۵
 علی سلطان ثم قال لیکن
 الایمان عند الثریا لیس لیس
 فیہ لا متفق علیہ باب جامع المناقب
 فصل اول جمہ الہم انت الاول فلیس
 فیک شیء انت الاخر فلیس بعدک شیء
 انت الظاہ فلیس غفک شیء انت
 باطن فلیس دونک شیء الحدیث
 وادو ترخص این ماجہ سلم مشکاة باب
 یقول عند الصباح الخ فصل ثانی
 بن کثیر ج ۴ ص ۲۴۲
 الاخر و الظاہ و الباطن و ہو علی
 فی جیم

چونہ مشکل تس وقادر چہی
لیک وعدتند چہی سای حق
آخر انبیاء چہی سون رسول

السلام علیک ای اکمل | ظاہر و باطن آخر و اول
جواب

آنوقت حضرتان نشسته جبریل
 تم جدا ته جدا صفات خدا
 فرق مابین عابد و معبود
 او سو پهلوان آمدت سو عالم مشهور
 یا الهی شه چوک ته توی اول
 از پس تو چو بنه دیوم کانه چیز
 چانه کھوتنه نه چیز کانه برتر
 بیک چیه چیه نه شه پهلوان
 بس کنوی تا بگل شنی چویدا
 با صفات خدای چو کنه پشتر

بہت ہی سہی بکت ایمان آ آو در حق بو حنیفہ یہ شان
چاہ

نہ لفظ حدیث آوہ رجال
یعنی ایمان فارسیں ہیں
تت ابن تم تنوی کہتے آسمان

صحن اطعام و خانا الحیثی من عصفای
نقد این تجارتی شکوة باب الاغصا
بکتاب و السنه فیصل اول

اوس ساین کتاب و سنت کار
اوس ماقبره بنانیدن راگان
روزی مولود و تم کران ما اوس
که همگان اوس ما و وان ارشاد
استان ته اوس مافیران
استان نیانده مائاران
ختمه کانگل ته کینه متوماکر
اوس لوجید حق یقین تیند
اوس نه جزه طریق مصطفوی
شه و نوت اوس چیه فرقه سنی
یس بنوا اوس و ارث جنت

اوس شرکن بدعتن میرا
عزس ته میلکس مالاکان
چله تر و شمس ته پره بران اوس
موسن اوس مامنگان اداو
چونه لاکت مزار مارشیران
قبره مائو نگه زالدنه لاران
ناو نقدیده چی متوماکر
اوس سارن بصر و سه خالقه سوند
تم لوکن مهند رشان رسم نوی
یم چیه و عوازه هری ته ناو چینی
کره سوی کار ناو بیت سنت

فوله

کر یقین حق چیه ژورنده بیدار
امل مسمی چیه ژورنده بیدار
یه اکس نه بیس اندر چه حرام

بو حیفه شن اندر مختار
رث اکهاه کرته شون میندگار
ته بیس نه بیس و اچو تمام

جواب

شه و نوت پانه حق چیه مذنب
امل مسمی و نوت چیه تم هر چار
چو ک و نان سی اکس اندر چه حرام
یکه یوزلو مسمی چو یوزلو وانا
تله ون کسب ازه گواکوی مختار
یله ژورنده و سه چیه حق شه و نوتیه

پشته نا حق لذت شه اکسی ژور
پس نوت کر یا سارنی میندگار
تی بیس مینر حلال اوستم
یله ژورنده و سه چیه حق ته بامعنی
تله ون کسب ازه اکسونا بی کره کار
چو اکس مینر حرام اکس حیره

من مثل الذين اخذوا من
 دون الله اولياء لهم
 اختلفت بيننا وان اذهن البصيرة
 لبيت العقبوت لو كانوا يعلمون
 (سورة غلبت)
 على وانقصوا من بعد ظلموا
 سيعلم الذين ظلموا
 انهم كانوا على
 ضلال مبين
 انكم في مرئبها تزلزلون
 انكم وان كنتم في شك من قولنا
 انزلنا من قبلنا
 سورة بقره يتي مثل القرآن الى قوله
 بعد من رجب اي مثل محمد صلى الله عليه وسلم
 ٥٩
 وشر الاقوام محمد وآله
 صلوات الله عليهم اجمعين

شیرہ اگر خالقن سو وایتہ ضرور
 مستدین منر چو گوئی سوی انسان
 پیو با خلاص زبانه جاری پناه
 شاد چو رس ختم نامه یام کریم
 شکر تداوا جواب سپنو

تس یو سوی موو شرک تراوت و
 مانه توجید یو سو بقلب لسان
 جانب لا اله الا الله
 کلمه در آخر کلام بروم
 از خدا وعده ثواب سپنو

قوله

رونجدی بد درست سپنو | سد محکم یہ شعر سست سپنو
 جواب

شکر کہ کے وادہ سیت یو سو گوانو
 گو تونز گفتگو زلر سمنز زال
 پانہ شعرس ترہ ناوتھا و تو سست
 چھے نہ شعرس درستی و چستی

درا و سوی بدترین خلقت نو
 تھکہ ناوت پینو ہک سو مجال
 یہ صفت درا و چانہ ایسہ تخت
 رو و محکم سو ما بان سستی

قوله

لاف و لو کیا چو صا تس چو خوا | نرنہ پانے وین پتھوی اک باب
 جواب

بچھ لگن چون تیرہ خاکس سیت
 مسکن کنو یہ پاک ذاتن و لو
 شک اگر در نزول قرآن چو
 نتمہ متبی ہو س نشہ انتو
 اس ہر روز جمعہ فرماوان
 بس کلام خدا چو خبر کلام
 قول مجبوت و قول حضرت نیز

ان لاجت قرآن پاکس سیت
 بلکہ از کار دین متو کرو نتو
 ازہ اک سورہ نت بیوت ہیو
 چہا و یوم مثل مصطفیٰ و نتو
 شاہ دین خطبہ سی اند باوان
 ہدی بہتر چو ہدی خیر انام
 زمان بہتر چھ بس یی زی خیر

گوم در دل چو نفس مکاری | اپویم غم غم گوس ما گنہ کاری

جواب

<p>بیه از جنس بدعت و بہتان ید و شرہ تہ پٹھہ تو پشیمان گوگ مغفرت کرتے گزہ ہس کیا کم بت جوابس اندر چو نصف نہار بیه تو حید کی مسائل بیم یا خلاف مرا و کنبہ کھو متو باد بر مصطفیٰ صلوٰۃ و سلام</p>	<p>بوز از قسم شرک و ہم ہدیان یہ لکھانی ترہ آخرس تان گوگ ید و ندامت چہ پڑہتوت پر غم حمد شد سپنو پڑہوکت اظہار بت اندر سنک ولایل بیم سہو و نسیاں تہ تہ آسہ مکتو عفو یارب کروم سونقص کلام</p>
--	---

مناجات

<p>بندہ پرور تہ یار و یاور چوک چوک ترہ زانان راز پنہانی آسہ چانی امید چانوی بیم مطمئن سوی در گہ اسلام خیر وارین کر عطا یارب مغفرت کر بر حمت و احسان متبع لا یضلل لا یشتقی بیه حاجات سان چھی ترہ و فی صلی سلم علی رسول اللہ</p>	<p>یا الہی ترہ سون داور چوک چھی ترہ معلوم مدعاسانی دین اسلام پور کر و تسلیم تہا و ثابت ترہ برہ اسلام عفو کر جرم تہ خطا یارب مومنین تہ مومنان سان تہا و ترس سیت آسہ یو سوائقی یا الہی ترہ چوک خدای غنی آو عبد الفنی چو حاجت خواہ</p>
--	---

پیشتر شہان ناسازن
دشمن کت چہ ترہ خزان

اطلاع بصفتان مختلفه کتاب الرطب الجنی الفاظ مندرجه فی غلط و مشکوک طبع شد است ناظرین کرام براه نوازش مطابق صحیح نامه هذا اصلاح فرمایند بر کریمیاں کار ما و شوازیست. نیا نهند الباقی شوازی غنی

صفحه	سطر	مصرعه	غلط	صحیح	صفحه	سطر	مصرعه	غلط	صحیح
۳	۱۱	۶	x	بده کم دیو	۲۲	۳	۳	بیه	بیه
۴	۱۲	۷	x	عیب و نقصان	۲۳	۸	۸	بسی	بسی
۵	۱۵	۸	x	تنقحه سو	۱۶	۱۶	۲۹۱	x	پتله لبه و مہ پانہ توہ پتہ دور
۶	۱۹	۹	x	حضرت ہوندسو	۲۷	۲	۱	بجہتہ	بیم نہ
۷	۱۵	۱۰	x	زاد	۲۸	۶	x	انجم	انجم
۸	۲۰	۱۱	x	بے حرمی سپر	۲۵	۱۲	۳	x	بوزہ ہامہ
۹	۱۶	۱۲	x	کرو تو قتل ابن بنت رسول	۱۳	۱۳	x	چامی سوی	چامی سوی
۱۰	۱۶	۱۳	x	واقعات نظر کرت نہ صاف	۲۶	۳	۳	یوچتہ ہیں	یوچتہ ہیں
۱۱	۱۸	۱۴	x	منصفانہ نظر دو بارہ کرت	۲۷	۱۵	۱	پانے	پانے
۱۲	۱۹	۱۵	x	نہ یوسو نجد آدمی فساد	۲۸	۲	x	عالم اک	عالم اک
۱۳	۲۰	۱۶	x	سودشیں اندر عراق مراد	۲۹	۱۹	x	شہ بہمن اعظمین	شہ بہمن اعظمین
۱۴	۲۱	۱۷	x	جایہ تامی چھنہ بدی نیکی	۳۰	۱۵	x	نب	نب
۱۵	۲۲	۱۸	x	لوک تچھہ تیرہ ترشہ چھہ تاریکی	۳۱	۱۶	۱	طاہر	طاہر
۱۶	۲۳	۱۹	x	بہر طواف	۳۲	۳	۳	دروک	دروک
۱۷	۲۴	۲۰	x	برنجہ	۳۳	۳	۳	پنوی	پنوی
۱۸	۲۵	۲۱	x	سجال	۳۴	۳	۳	الجنہ	الجنہ
۱۹	۲۶	۲۲	x	تزیث	۳۵	۳	۳	لیک و نزک نہ پورسان	لیک و نزک نہ پورسان
۲۰	۲۷	۲۳	x	نام	۳۶	۳	۳	نت سبب صدقہ بے ریا چور	نت سبب صدقہ بے ریا چور
۲۱	۲۸	۲۴	x	جواب	۳۷	۳	۳	لک	لک
۲۲	۲۹	۲۵	x	رٹ کار	۳۸	۳	۳	ہنس	ہنس
۲۳	۳۰	۲۶	x	یوسو چو	۳۹	۳	۳	تمو	تمو
۲۴	۳۱	۲۷	x	تمسندی واسطہ دعا کرناو	۴۰	۳	۳	چو	چو
۲۵	۳۲	۲۸	x	چوک مہ	۴۱	۳	۳	بیت	بیت
۲۶	۳۳	۲۹	x	آسوک	۴۲	۳	۳	شانگ	شانگ
۲۷	۳۴	۳۰	x	الحق عذی ان التوسل بالینی	۴۳	۳	۳	شانہ	شانہ
۲۸	۳۵	۳۱	x		۴۴	۳	۳	چو	چو
۲۹	۳۶	۳۲	x		۴۵	۳	۳	نذرہ	نذرہ
۳۰	۳۷	۳۳	x		۴۶	۳	۳	قرب	قرب
۳۱	۳۸	۳۴	x		۴۷	۳	۳	قل	قل
۳۲	۳۹	۳۵	x		۴۸	۳	۳	اعتقاد	اعتقاد

۳۸۳

تتلی تحفۃ الی حوزی جلد ۲ ص ۳۸۳

و کذا التوسل بغيره من اهل الجنۃ و الصالح فی حدیثہم و شفاعتہم جائز
بما تم و شفاعتہم ایضا جائز و ما التوسل بہ علی اللہ علیہ وسلم
بعد اتم و التوسل بہ بعد اتم و التوسل بہ بعد اتم و التوسل بہ بعد اتم

صفحہ	سطر	مصرعہ	غلط	صحیح	صفحہ	سطر	مصرعہ	غلط	صحیح
۵۱	۶	۲	۱۶	۵۳	تصویر پر	تصور	۲	۱۶	۵۳
۵۲	۱۱	۲	۱۳	۵۹	مومن	مومن	۲	۱۳	۵۹
۵۳	۳	۱	۱۹	۶۱	امراۃ	امراۃ	۱	۱۹	۶۱
۵۴	۱۶	۲	۲۰	۶۲	الہ	انشو	۲	۲۰	۶۲

نوٹ: کتاب ہذا کے تین صفحات یعنی صفحہ ۵۳، ۵۴، ۵۵ سہ کاتب کی وجہ سے الٹ پٹ چھپ گئے ہیں۔ اس لئے قارئین کرام سے التماس ہے کہ وہ سوچ سمجھ کر صفحات مذکور کو ممبرات کے مطابق بالترتیب پڑھیں۔ بیاض مندا ابو البشر الشوبیانی عفی عنہ

فہرست مضامین الرطب الجنی فی ردہ فوات الہاجی یعنی نظم جوانی بجواب رد وہابی

نمبر شمار	مضمون	صفحہ	نمبر شمار	مضمون	صفحہ
۱	حمد	۲	۱۷	بحث پنجم ثبوت معجزات	۳۲
۲	نعت	۳	۱۵	بحث ششم تخصیص علم غیب بذات بری	۴۱
۳	وجہ تصنیف	۴	۱۶	بحث ہفتم در تحقیق نذر و نیاز	۴۳
۴	تہنید	۵	۱۷	بحث ہشتم در بیان اثبات توحید	۵۲
۵	بحث اول در تشریح حدیث نجد	۵	۱۸	بار تعالیٰ و تردید شرک	۵۲
۶	قبیلہ بنو تمیم	۹	۱۹	بحث نہم در عدم جواز وظیفہ یا شیخ	۵۹
۷	مختصر سوانح حیات شیخ الاسلام	۱۰	۲۰	عبد القادر جیلانی شہید	۶۰
۸	محمد بن عبد الوہاب علیہ الرحمۃ	۱۳	۲۱	بحث دہم در مسائل متفرقہ و النقیہ	۶۱
۹	مختصر حال احمد بن سعود امیر نجد	۱۶	۲۲	زیارت روضہ مطہرہ بنو علی صاحبہا الصلوٰۃ	۶۲
۱۰	موجودہ سلطان نجد	۱۹	۲۳	ختم نبوت	۶۳
۱۱	بحث دوم در بیان حرمت استعانت	۲۰	۲۴	بیان تحقیق و تقلید اتباع کتاب و سنت	۶۴
۱۲	از اموات	۲۳	۲۵	بیان فرقہ ناجیہ	۶۵
۱۳	بیان وسیلہ	۲۴	۲۶	بیان شفاعت	۶۶
۱۴	بحث سوم در سماع موتی	۲۷	۲۷	اختتام کتاب	۶۸
۱۵	بحث چہارم در زیارت قبور	۲۸	۲۸	مناجات بار بارگاہ قاضی الحاجات	۷۰
			۲۹	اطلاع و فہرست مضامین	۷۱ و ۷۲